

# ضدانقلاب در تدارک توطئه بزرگ جدیدی است

## میتوان و باید با هشیاری، آمادگی و اتحاد خلق توطئه جدید ضد انقلاب را نیز درهم شکست



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۹  
یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۲۰۰ ریال

واقعیت است و این چشم و مغز و دست میلیونها مردم کشور و مسئولان مملکتی است که باید با احساس مسئولیت کامل از انقلاب پاسداری کنند، دمه‌های خطر را از سر راه آن برچینند، تا انقلاب امکان پیشروی و بالندگی یابد و بر زبانی محکم با گامهای استوار قامت برافرازد.

انقلاب ایران، انقلاب خلقی و سرزمینی فقیر از نظر ثروت‌های مادی و معنوی و بازگذاشته‌ای که اهمیت در گوشه دورافتاده‌ای از جهان پهناور نیست، که امریالیسم بتواند آنرا سرسری گیرد و از آن بسادگی بگذرد. انقلاب ایران نه تنها منافع سیاسی، اقتصادی، نظامی و استراتژیکی امریالیسم را در کشور زرخیز و نفت‌خیزی، که هزاران کیلومتر مربع مشترک با دشمن شماره یک، امریالیسم دارد، به خطر افکنده است، بلکه تهدیدی است جدی برای کل منافع امریالیسم در منطقه حساسی از جهان، که امریالیسم، با آن ذات تجاوزگر و غارتگر و ستمگر خود، نمیتواند آنرا شوخی بگیرد. از اینجاست که امریالیسم، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، همه راه‌های «مشروع» و نامشروع «قانونی» و غیرقانونی را هم که به منظور انحراف انقلاب از مسیر ضدهمپالیستی و خلقی آن و هم برای سرکوب و درهم شکستن آن بکار گرفته است.

شواهد و واقعیات، حکایت از توطئه تازه امریالیسم علیه انقلاب دارد و باین واقعیت خام خینی و مسئولان مملکتی هم اشاره کرده‌اند. امام خمینی در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر توطئه‌های امریالیسم علیه انقلاب ما تاکید کردند و ضمن تکیه بر این نکته، که امریالیسم کاری از پیش نخواهد برد، توصیه میکنند که: لکن باید با کمال دقت مراقبت بشود.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در بیانات خود برنگر بزرگاری نماز عید فطر مردم را به هشیاری فرا میخواند و میگوید:

«امروز ما در مقابل آمریکا، با همه ابعاد و با همه نیروی استنادی و بدنی ثابت کردیم که در مقابل این قدرت عظیم آمریکا هم میتوان ایستاد... دشمن درصدد غریبه‌زدن است. مردم ایران! برادران و خواهران مسلمان! آماده باشید که دشمن سعی خواهد کرد این صربه خود را وارد کند و نیش خود را بزند. ما انتظار حمله دشمن را داریم.»

آیت‌الله دکتر محمد بهشتی در مصاحبه هفتگی خود در پاسخ خیر-تقدیری که می‌رساند: «در دیدار نمایندگان با امام، ایشان از توطئه جدیدی یاد کرده‌اند... ممکن است مردم را بیشتر در جریان این توطئه قرار دهیم، پاسخ می‌گویند:

«اطلاعات خوبی درباره این توطئه بدست مسئولان مملکت رسیده است و ما، موران و کسانی که باید این اطلاعات را دنبال کنند، سر نخبه را تقییر میکنند و تا بدست آمدن نتایج خیلی روشن از دادن اطلاعات خیلی بیشتر معذور هستیم.»

بیانات صریح امام خمینی و سایر مقامات مملکتی، بیانگر این واقعیت است که توطئه تازه امریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران، جدی بودن مسئله، هنگامی عمیق بقیه درصنحه ۲

بگذرد و به منزل مقصود برسد. ماجرای توطئه‌های امریالیستی نله انقلاب ایران افسانه نیست، بلکه

هزاران دام خطر، که امریالیسم، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، بر سر راهش تعبیه کرده، سلامت

انقلاب ایران هنوز به میلیونها چشم هشیار، مغز بیدار و دستهای حراست‌گر نیاز دارد، تا از رهگذر

## هشدار!

آزوده جلب می‌کنیم. مردم و بخصوص شخصیت‌هایی که بامبارزه‌آشتی - ناپذیر خود با ضدانقلاب، در معرض کینه خائنان ضدانقلابی قرار گرفته‌اند، باید هشیار باشند تا در دام این پاسداران قلابی، که ممکن است آنان را بعبوس «کمیته» به قتلگاه ببرند، نیفتند. در اتومبیل‌های آنان سوار نشوند، و اگر آنان خواستند بزور متوسل شوند، از مردم استمداد کنند.

طبق اطلاعات موثقی که بدست ما رسیده، عوامل ضد انقلاب وابسته به گروه بختیار، کارت شناسایی سپاه پاسداران را جعل کرده و در اختیار برخی از افراد خود گذارده‌اند. ما توجه سپاه پاسداران، دادستان کل کشور، دادستان کل دادگاههای انقلاب و تمام ارگانهای دولتی و بخصوص مردم را به وسوسه استفاده‌ای که ضدانقلاب از این راه بعمل

میرزا اسکندری و دمه‌ها نفر دیگر نیز «تکفیر» شده‌اند. «وعاظ السلاطین» هرگز حربه تکفیر را از کف نهند، هر چند با رشد آگاهی مردم، حربه «تکفیر» پیوسته کدتر میشود. امروز می‌بینیم که بار دیگر امریالیسم آمریکا به کمک امریالیسم کینه کارانگستان، این حربه زنگبزه را بیرون کشیده و بر ضد ایران انقلابی بکار انداخته است.

# اسلام آمریکائی، امام را «تکفیر» میکند!

کنند، برای اینکه اصول خلقی و انقلابی آنرا زیر پا بگذارند. ولی زندگی شاهزادگان سعودی، با همه ادعای «اسلامی» بودن دولستان، با بزرگترین سرمایه‌داران امریکائی فرقی ندارد. «اسلام» نه تنها در عربستان سعودی، بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی منطقه، که مدعی «اسلامیت» هستند، مانند مصر و پاکستان و غربی... دستاویز استثمارگران برای اسارت‌مادی و معنوی زحمتکشان است.

سعودی در آسیا تا تونس و مغرب‌را در آفریقا، از سرزشت و آینده خود نگران ساخت. «اسلام» در این کشورها، بخصوص در عربستان سعودی و پاکستان، به دستگیریهای ایدئولوژیک برای حفظ سلطه دیکتاتوری سرمایه‌داران و نفوذ آنها تبدیل شده است. پادشاهان عربستان سعودی، بدلیل موقعیت جغرافیائی کشورشان، که اماکن مقدس مسلمین در آن سرزمین قرار دارد، خود را حافظ «دین» اسلام میدانند و مدعی هستند که «اسلام» اصیل بدان نحو که در قرآن و سنت پیامبر آمده، تنها در عربستان سعودی حکمیت می‌کند. آنها برخیز از ظواهر احکام اسلام، از قبیل شلاق‌زدن به زنان کاران و بریدن دست دزدان و غیره را بزرگ می-

کوبیده‌اند. در دورانی که پای استعمارگران اروپائی بکشورهای اسلامی باز شد و «وعاظ السلاطین» به خدمت حکمرانان تازه درآمدند، «تکفیر»، این حربه ناجوانمردانه خود را نیز در اختیار آنان گذاشتند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی، که بحق او رانختن شخصیت‌سیاسی-مذهبی مبارز علیه سلطه استعمار بر جهان اسلام میدانند، در معرض «تکفیر» قرار گرفت و پس از آن او را بدستور ناصرالدینشاه خونیخوار، چون «کافر»، که حتی علامت‌سنت اسلامی بر اندامش نبوده، از ایران تبعید کردند. سیدمحمد طباطبائی و سیدعبدالله بهبهانی از رهبران پیش مشروطه‌رانیز «وعاظ السلاطین» تکفیر کردند. شیخ محمد خیابانی، سلیمان

هنگامیکه مقتیان تیره دل خشک سر، هزارسال پیش بوعلی‌سینا، این چهره تابناک تمدن اسلامی و افتخار ابدی خاورزمین را «تکفیر» کردند، وی در پاسخستان این رباعی پرمعنا را سرود:

کفر چو منی کزاف آسان نبود محکمتی از ایمان من ایمان نبود در دهر چو من یکی و آنهم کافر پس در همه دهر یک مسلمان نبود

آری، اگر بوعلی‌سینا و روح‌الله خمینی کافرند، در همه جهان مسلمانی نبوده و نیست. «تکفیر» در تاریخ خلقهای مسلمان سابقه شومی دارد. هرجا عالمی، آزاداندیشی، مبارزی سر بلند کرده است، سراو را «وعاظ السلاطین» با چماق تکفیر

ضدیت بین دو «اسلام» که یکی انعکاسی از ایدئولوژی طبقات حاکم و دیگری جلوه‌ای از خواسته‌های طبقات محروم است. تضادی که در تمام طول تاریخ نه بقیه درصنحه ۲

«تکفیر» امام جزئی از سیاست منفرد ساختن ایران در جهان اسلام است. انقلاب ایران که با شعار اسلام انقلابی، نظام دیرپوی شاهنشاهی را با آنهمه کرم و فر از صحنه تاریخ بیرون راند، تمام رژیم‌های وابسته به امریالیسم، از پاکستان و عربستان

خودسری‌های بعضی اشخاص، گروه‌ها (که اغلب از چند نفر انکشت‌شمار تجاوز نمیکنند) و حتی بعضی مقامات مسئول هنوز ادامه دارد. اغلب این خودسری‌ها که به تدریج به زیان انقلاب شکوهمند ایران و به نفع دشمن اصلی آن، امریالیسم امریکاست، زیر نام «مردم» صورت میگیرند. در صورتیکه مردم رزمند و انقلابی ایران بکلی با اینگونه خودسری‌ها، تحریکات و غائله‌سازیها مخالفند. آنها با درک عمیق وضع کشور، به پاس حرمت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، که با اعتماد و ایمان راسخ بدان رای داده‌اند، برای احتراز از هرگونه درگیری و ایجاد تشنج، به امید اجرای قوانین کشور توسط مقامات مسئول، ارگانهای اجرائی دولت و نهادهای انقلاب هستند.

## به خودسری‌ها باید پایان داده شود

اکنون در دشوارترین شرایط توطئه‌های گسترده و پی در پی امریالیسم و ضدانقلاب پرورده‌اش علیه ایران و علیرغم همه این دشواریها، نظام نوین جمهوری اسلامی ایران، که از دستاوردهای عمده انقلاب شکوهمندمان برهبری امام خمینی است، در حال تکوین و شکل‌گرفتن است. وظیفه اصلی هر فرد، گروه، حزب، سازمان و نهاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، که واقعا درست انقلاب و برخط امام است، کمک سازنده باین

خودسری‌های بعضی اشخاص، گروه‌ها (که اغلب از چند نفر انکشت‌شمار تجاوز نمیکنند) و حتی بعضی مقامات مسئول هنوز ادامه دارد. اغلب این خودسری‌ها که به تدریج به زیان انقلاب شکوهمند ایران و به نفع دشمن اصلی آن، امریالیسم امریکاست، زیر نام «مردم» صورت میگیرند. در صورتیکه مردم رزمند و انقلابی ایران بکلی با اینگونه خودسری‌ها، تحریکات و غائله‌سازیها مخالفند. آنها با درک عمیق وضع کشور، به پاس حرمت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، که با اعتماد و ایمان راسخ بدان رای داده‌اند، برای احتراز از هرگونه درگیری و ایجاد تشنج، به امید اجرای قوانین کشور توسط مقامات مسئول، ارگانهای اجرائی دولت و نهادهای انقلاب هستند.

اکنون در دشوارترین شرایط توطئه‌های گسترده و پی در پی امریالیسم و ضدانقلاب پرورده‌اش علیه ایران و علیرغم همه این دشواریها، نظام نوین جمهوری اسلامی ایران، که از دستاوردهای عمده انقلاب شکوهمندمان برهبری امام خمینی است، در حال تکوین و شکل‌گرفتن است. وظیفه اصلی هر فرد، گروه، حزب، سازمان و نهاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، که واقعا درست انقلاب و برخط امام است، کمک سازنده باین

# مردم از قاطعیت انقلابی دادگاهها پشتیبانی میکنند

محافل معین لیبرال با شعارهایی نظیر: دین اسلام، دین رأفت و تطوافت است، بر مقامات مسئول اعمال فشار میکردند و فریاد برآوردند. تومیه میکردند. نتیجه فعالیت این محافل آن شد که عناصر سرشناسی از رژیم پیشین آزاد شدند، که اکنون نفراتی از آنان مجددا بازداشت شده‌اند و گروه گروه اعضاء و کارمندان مؤثر ساواک و افسران وفادار به رژیم پیشین از زندانها بخانه‌ها بازگشتند، که با به خارج از کشور فرار کردند و یا به تکیه سیاسی و نظامی ضدانقلاب در داخل کشور پیوستند. مارتینی رضائی، فرمانده سپاه پاسداران در این باره میگوید:

شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز، ۱۵ نفر از شرکت‌کنندگان در توطئه کودتای زنجیر هم‌دان‌راه، همراه بارتیس سابق زندان اوین، نماینده ساواک در پیمان سنتو و کلیه کنفرانسهای امنیت در امریکا و فلسطین اشغالی و نیز مدیرکل بازگشت مرکزی ایران را در دوران طاغوت به اعدام محکوم کرد و حکم به اجرا درآمد.

روند کار دادگاههای انقلاب، که بویژه پس از کشف دو توطئه امریالیستی بار دیگر قاطعیت انقلابی خود را باز یافته است، مورد پشتیبانی و تأیید مردم است. دادگاهها چندماهه پس از پیروزی انقلاب بتدریج کارشان به بستن گرانید و افراد سرشناسی از وابستگان رژیم پیشین، یابی-مروءدا از زندانها رها شدند و یا احکام صادره درباره آنان به پیچوج به امیزان جرم‌شان متناسب نبود. آزادی ستمی و فرسوجی و حکم‌زدن شیخ‌الاسلامزاده و خوش کیش نمونه‌ای از تسامح کار دادگاهها در آن دوران بود، که با اعتراض عمومی مواجه شد.

«از ۸ یا ۹ ماه پیش اینها شروع کردند دوباره بهم ارتباط برقرار کردن، شروع کردند به اطلاعیه پخش کردن در سطح پدگانها.» و این درست هنگامی بود که امام خمینی، با احساس خطر از سوی این باند خیانت‌پیشه، توصیه میکردند که:

بقیه درصنحه ۲

## ما اعلام جرم خود را علیه صادق قطب‌زاده تکرار می‌کنیم

اداره داده است، و از آنجا که متأسفانه تاکنون از جانب مقامات مسئول درباره اعلام جرم حزب توده ایران علیه آقای صادق قطب‌زاده، واکنشی دیده نشده است، لذا بار دیگر اعلام جرم خود را تکرار می‌کنیم و از دادستان کل کشور می‌طلبیم که به این اعلام جرم هرچه زودتر رسیدگی بعمل آید.

در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۵۹، از جانب حزب توده ایران علیه آقای صادق قطب‌زاده، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بسبب ناسزاها، افتراها و توهین‌های مکرر ایشان به حزب توده ایران و مسئولین آن، اعلام جرم شد.

از آنجا که آقای صادق قطب‌زاده، پس از این اعلام جرم نیز همچنان به ناسزاها، افتراها و توهین‌های خود به حزب توده ایران

روند مهم تاریخی است و نه ایجاد دشواریهای تازه از راه ترویج خودسری و غائله‌سازی. جو انقلابی موجود در کشور، در عین هوشیاری دائم و قاطعیت‌بگیر در مقابل توطئه‌های مدارام امریالیسم و ضدانقلاب داخلی، باید متوجه نوسازی بنیادی جامعه و تحکیم نظام جمهوری اسلامی باشد.

رهبان انقلاب، امام خمینی، در اظهارات خود بکرات همه مقامات دولتی، نهادهای انقلابی و توده‌های این امر متصف را متوجه ضرورت برین امر کرده‌اند، از غائله‌سازی و ایجاد تشنج و درگیری برحذر داشته‌اند و لزوم حسن‌فهم، هم‌آهنگی و همکاری را گوشزد نموده‌اند. دیگر مقامات مسئول و عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران، از جمله رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، رئیس دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور، دادستان کل

بقیه درصنحه ۲

بقیه درصنحه ۲

برای مبارزه با امریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### روش قطب زاده برای منافع ملی ایران خطرناک است

روزنامه «اومانیتیه» ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه ضمن اشاره به نامه صادق قطب زاده خطاب به وزیر خارجه اتحاد شوروی محتوی نامه را شدیداً بیاد انتقاد گرفت و نوشت قطب زاده سیاست شوروی در مورد ایران را تحریف کرده و

روزنامه «اومانیتیه» می نویسد سخنان قطب زاده در مورد حزب توده ایران آنگذیب و اراجیفی بیش نیست و اعضای حزب توده ایران در صف مقدم رزمندگان علیه رژیم شاه نبرد کرده و بعضی از اعضای حزب ۲۵ سال و یابیشتر در سینه‌های پهلای شاه مخلوع بسرد برده مقاومت کرده‌اند.

### اسلام آمریکائی

خود را درباره «تکفیر» امام خمینی ضاهر کرده‌اند.

این نوکران سرسپرده سرمایه، که با پول پادشاه سعودی و بسود راهبان آمریکائی و انگلیسی «فتوا» صادر میکنند، اگر ذره‌ای به اخلاق و آنچه در کتب معتبر اسلامی درباره شرایط انتساب «کفر» بیک مسلمان آورده شده است، پای بند بودند، بر حسب وظیفه اخلاقی و شرعی خود موظف بودند، قبل از آنکه «فتوا» ندین خود را صادر کنند، به شخص امام خمینی مراجعه کنند و از او درباره آنچه گفته است توضیح بخواهند و پس از آنکه یقین حاصل کردند که او منکر «وحدانیت الهی و رسالت محمد پیامبر اوست»، به «تکفیر» او «فتوا» بدهند. روشن است که این توطئه پیش ساخته را جاسوسان آمریکائی و انگلیسی طرح ریزی کرده‌اند و اجرای آنرا به نوکران سعودی و کویتی خود واگذار نموده‌اند، و آنها نیز «علمای» مغرب را انتخاب نموده‌اند، که «پیطرف تر» باشند و چنین وانمود کنند که گویا تنها بخاطر دلسوزی برای اسلام و نه برای میلیارد دلاری ملوک و شیوخ سعودی و کویتی به «تکفیر» امام خمینی سود می‌رساند، حکم «تکفیر» امام خمینی را صادر کرده‌اند. چالب آنکه «علمای» مغرب منعی هستند که امام، طبق عقائد شیعیان، باید «کافر» شناخته شود. «علمای» سنت نیستند و امام شیعیان را بموجب احکام شیعه محکوم میکنند؛ برآستی که سخن سازی تکفیر سلیمان میرزا اسکندری، که عتی میگوید:

دستور ز لندن بدست و با دست دگر بود  
تکرار میشود، چه بسا متن «تکفیر» نام، امام خمینی را نیز «علمای» سیا و اینتلینجس سرورس نوشته‌اند، و بی شبهه چنین است. «علمای» مغرب را چه شده است که تا این حد به اسلام عشق می‌ورزند که کلمه به کلمه نقلی امام را زیر میکروسکوپ بگذرانند و از خلال آن عناصر «کفر و الحاد» را بیرون کشیده به «جوامع اسلامی» اعلان کنند؟ «علمای» مزدور مغرب

در عقاید و رفتار و شیوه کنش‌های ملوک حسن و محمدرضا چیزی مخالف اسلام نمی‌دیدند و نمی‌بینند، که آنرا محکوم کنند؛ انوقت که محمدرضا میگفت ما برای جلب شیوخ عرب به سفرهای جهانگردی بایران، باید برایشان «زن» هم آماده کنیم، انگاه که ساواک دسته دسته انقلابیون ایرانرا در خیابان بامسلسل می‌بست، «علمای» مغرب مفراسلامی خودشان را کجا پنهان کرده بودند؟ و آیا اکنون سران عربستان سعودی، شیخ‌های خلیج، دیکتاتورهای پاکستان و مصر و... به پیروی از اصول «اسلام» پداسان آمریکالیستهای آمریکائی و انگلیسی خزیده‌اند، که سلطرت بر لب زده‌اند؟

خیر، آقایان «علمای» مدافع «اسلام»! دیگر نه خای خودتان رنگی دارد و نه خای «اسلامتان». در تاریخ خلقهای مسلمان دوران تازمائی آغاز شده است. انقلاب ایران نخستین سنگ بنای جامعه نوینی را در کشورهای مسلمان بنا گذارده، که در آن دیگر جای برای ملوک و شیوخ و امراء و «علمائی» چون شما باقی نخواهد ماند. چاق «تکفیر» این حربه زنگزده را غلاف کنید، در جاتی که آمریکای جهانخواه با سپه‌های هیندروزی و نارهای هواپیما بر کوه پیکر خود «هیج غلطی» نمیتواند بکند، حربه زنگزده شما هم در محاصره آید و نواریک ایران انقلابی تأثیری نخواهد داشت.

ریشه انقلاب ایران عمیق تر از آنست که «وعاظ السالطین» بتوانند آنرا با این حرکات مذبحخانه از قلب مردم مایرون بکشند. اینرا در داخل کشور نیز «وعاظ السالطین» یکبار آزمودند و خلق قهرمان ما آنان را مقتضحانه به سکوت وادار کرد. برای دهان ناپاک شما، «علمای» جیره خوار مغرب، نیز میتوان بقدر کفایت مشت گره کرده در ایران یافت.

آذربایجانیه شرب المثلی دارند که میگوید:  
مکس خودش چیزی نیست، اما دل آدم را بهم میزند. «تکفیر» شما هم فقط چنین مکسی است.

به اتومبیل‌های مردم و درو دیوارش می‌چسباندند، تحصن و اعتصاب و رک‌کاری را تشویق میکردند، بعنوان یکی از وظایف سازمانی خود، احتکار و گرانفروشی را تبلیغ میکردند و در کار پالسازی اخلاص و آنرا بشد خود تبدیل مینمودند.

به ضد انقلاب نباید کترین ترجمی روا داشت، که ترجم بر پلنگ تیز دندان است. چهره‌های بظاهر معصومی که در کودتای نافرجام همدان شرکت کردند و در پی جلب ترحم دادرسان و رأفت تماشاگران، خود را بیگناه و اغفال شده نشان می‌دادند ساگر در جنایت خود توفیق یافته بودند. سراسر سرزمین ما را به برهوت خاکستر و خون بدل میساختند.

قاطعیت انقلابی کبته‌ها، سپاه پاسداران و دادگاههای انقلاب در پی جوئی، جلب و محاکمه ضد انقلاب، باید قویا ادامه یابد، که تنها راه نجات انقلاب است. امیرالیسم بدون بازوی فعال خود در داخل، یعنی ضد انقلاب متشکل، قادر به تجاوز نظامی بخلک ما و کودتا در کنورمانیست. باید این بازوی تهبکار را با اقدامات قاطع قطع کرد.

### ضد انقلاب در تدارک...

بقیه از صفحه ۱  
یشتی می‌یابد که به تدارکات جنگی روزافزون امیرالیسم آمریکا در منطقه توجه کنیم، که مستقیماً انقلاب ایران را نشانه گرفته است. امیرالیسم آمریکا پایگاه نظامی خود در جزیره دیه گوگاریا را با آخرین تجهیزات مجهز ساخته و در کار ایجاد شبکه وسیعی از پایگاه‌های نظامی و دریائی در اقیانوس هند و مجاورت خلیج فارس است. امیرالیسم انگلیس عمان قابوس و عربستان فهد را با سلاحهای مدرن تجهیز میکند. آمریکا در تدارک تقویت نیروی دریائی عربستان سعودی است و ساختن گوی نیروی دریائی آمریکا فاش ساخته، که تعداد ۱۴ قایق موشکیاب و کشتی‌های مجهز به موشک برای عربستان سعودی در دست ساختمان دارد.

این تدارک وسیع نظامی و صرف میلیاردها دلار هزینه، چنانکه بدیهی است، برای مقابله با رژیم‌های پاکستان و ترکیه و مصر و اردن و عربستان سعودی نیست، که مزدورند و دست‌نشانده و فرمانبر امیرالیسم، بلکه برای مقابله با رژیم‌های مترقی منطقه و قبل از همه و پیش از همه با انقلاب ایران است که حضور غیر-قانونی و تجاوزگرانه امیرالیسم را در این منطقه از جهان مورد سؤال قرار داده است. برای مقابله با انقلاب ایران است، که افسانه ساختن «جزیره ثبات آریامیری» در رسوا کرد و آشفشان خشم مردم را هر گوشه از این «جزیره ثبات» چنان خرمن‌های آتشی بر افروخت، که رژیم دست‌نشانده و پایگاه و حامی آن در این سرزمین، ساواک و سیا و موساد، در شعله آن دود شدند.

اکنون وزیر خارجه آمریکا، ادوولد ماسکی، از گذشته یاد می‌کند که رژیم شاه منافع ملی آمریکا را تامین میکرد و امیرالیسم آمریکا دندان از خشم بهم میساید که، چرا رژیم حافظ «منافع ملی» آمریکا را از دست داده است.

تعالی تلاش امیرالیسم آمریکا اکنون آنست که نظام جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کند و رژیمی همانند رژیم پیشین بر سر کار آورد، که از «منافع ملی» آمریکا پاسداری کند. اجرای گام بیگام طرح برژینسکی در ایران و تیره ساختن عدلی مناسبات با اتحاد جماهیر شوروی، باین گمان که انقلاب را از بزرگترین پشتیبان خود محروم سازند، ایجاد جو تشنج و تفرقه و آشوب و هرج و مرج، زیر پای انداختن قوانین جمهوری و نادیده گرفتن تصمیمات ارگانهای مسئول مملکت و ایجاد اختلال در همه عرصه‌های حیات کشور، همه و همه تدارک مقدمات آن توطئه‌ای است که باید در روز و ساعت نامعلومی علیه انقلاب پیاده شود و انقلاب را در آتش خاکستر کند.

بدیهی است که تا مردم در صحنه حضور دارند، توفیق دشمن ممکن نیست، اما به این شرط که از حضور توده‌ها در صحنه، استفاده سنجیده بعمل آید و از اینجه شور و ایثار انقلابی مردم بجا و بموقع و طبق برنامه بهره‌گیری شود. و این امر مهم در درجه اول برعهده مسئولان مملکتی است که مردم را متحد و متشکل کنند، حدود وظایف و سنگر نبرد هر فرد، هر گروه و هر سازمان دقیقاً معلوم و مشخص باشد، که در اینصورت دشمن واقفا دم در مقابله با صفوف درهم فشرده مردمی آگاه و ییاد و متشکل و مجهز کاری از پیش نخواهد برد.

### بخود سری‌ها باید...

انقلاب و دیگران نیز توجه لازماً به این موضوع سب داشته‌اند. آقای بنی‌صدر رئیس‌جمهور در سخنرانی خود در مهدیه تهران بویژه متذکر شدند: «کشوریکه در محاصره نظامی و سیاسی است و کشوریکه از داخل و خارج درگیر با توطئه‌هاست نمی‌تواند عدم هماهنگی را تحمل کند». ایشان روی خودسری بعضی گروهها، مقامات و نهادهای توفیق کرده گفتند:

«اگر قرار باشد هر روز گروهی در شهرهای مختلف به حرکت درآیند و برای دولت مساله ایجاد کنند، اینجا را تصرف کنند، آنجا را حکم برانند، این را تویخ کنند، در آنجا شکنجه‌خانه درست کنند، در آنجا زندان درست کنند و دهها حکومت بوجود بیاورند، یکی این خانه را تبدیل به زندان کند، دیگری آن‌خانه را تبدیل به زندان کند و هیچکس نداند که این نهادها چه حق دارند این همه زندان داشته باشند، در این محیط ناامن... حکومت، از حکومت کردن عاجز میشود و من تردید ندارم که ملت بزرگ ما، ملت هوشیار ما و این جوانان مسلح ما خواهان نظم و امنیت هستند و ما بایستد کسی عهده‌دار این مسئولیت بزرگ بشود و به این دوران استبداد و هرج و مرج با قاطعیت و سرعت پایان بخشد. در این زمینه ایستاده قدوسی دادستان کل انقلاب در سینار دادگاهها و دادرهای انقلاب، بویژه روی لزوم پایان دادن به خودسریها تاکید کرده گفت: «عدم توجه به پخشنامه‌های صادره از مرکز، تصمیم گیریهای خودسرانه از راههای ارتباطی انقلاب بدون اطلاع حکم، شرح و بالعکس، دخالت در کارهای ادارات و امور پاکسازی و تصفیه ادارات بصورت خودسرانه بدون اطلاع و دستور هرگز، لفو احکام صادر شده و تشدید تصفیه این احکام پس از تعویض حاکم شرع بوسیله حاکم شرع جدید، از جمله مشکلات دادگاههای انقلاب است». دادستان کل انقلاب رفع سریع این نارسائیه را خواستار شد.

در همین سینار آیت‌الله دکتر بهشتی، رئیس دیوانعالی کشور، با اشاره به تخلفاتی که در احکام یا رفتار دادرستانها حکم محاکم و یا قضات میشود، لزوم جلوگیری از این گونه خطا و لغزش و رفع این قبیل نارسائیه را متذکر شد.

اما آنچه در این ارتباط باید در مرکز توجه و دقت دائم قرار گیرد اینست که، تنها تذکر این نکات از جانب مقامات عالی کشور بهیچوجه کافی نیست. باید انجام صحیح، بموقع و دقیق وظایف مربوطه را از ارگانها و مقامات اجرائی خواست و پیوسته تحت نظارت و بازخواست قرار داد، زیرا در غیر این صورت زمینه مساعد برای تحریکات عناصر ضدانقلاب و خرابکاری عمال امیرالیسم، که هنوز در این ارگانها باقی مانده و یا در آنها رخنه کرده‌اند، فراهم میشود. آنها بدین وسیله می‌توانند سبب تشدید نارضائیهای مردم شوند، کاسه صبر و متانت انقلابی آنها را لریز کنند، تشنج و درگیری ایجاد کنند و به نیت پلید خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دست یابند.

«مردم امروز ایران مردم عاقل، باخ و رشیدی هستند. اینها میدانند کشورشان در صورتیکه درست اداره نشود باچه مصیبت‌های بزرگی روبرو خواهد شد». از اینرو نیز مردم منتظر اقدام جدی و عمل قاطع از جانب ارگانها و مقامات اجرائی و مسئول مملکتند، نه تذکرات و توصیه‌های بی‌بهره.

### شیلی در چنگال تزویر دیکتاتوری

خیمه‌شب بازی جدید داور دسته خون آشام و فاشیست حاکم بر شیلی در مورد برگزاری باسپلاخ رفواندم در مورد قانون اساسی از یکسوموچب استیزای و تمسخر محافل اجتماعی آمریکای لاتین شده و از سوی دیگر نشان میدهد رژیم پینوشه علیرغم حمایت بیدریغ اروپایان آمریکائی خود، بتدریج در داخل دژ تنگنا قرار میگیرد.

محافل فرقیخواه آمریکای لاتین اظهار نظر میکنند باسپلاخ رفواندمی که قرار است یازدهم سپتامبر (سالگرد کودتای خوئین) در شیلی در مورد قانون اساسی برگزار شود چیزی جز یک نمایش توخالی برای فریب توده‌ها نیست. در این باسپلاخ قانون اساسی، اختیارات کامل همچنان در دست «جلاد» باقی میماند و رژیم پینوشه در واقع میخواهد، با این نمایش مسخره به دیکتاتوری فاشیستی حاکم بر کشور، جنبه «قانونی» بدهد. از سوی دیگر رژیم پینوشه در داخل کشور خود را با مقاومت روزافزون خلق روبرو می‌بیند. در ماههای اخیر همراه با گسترش مقاومت، بویژه بعد از جشن اول ماه مه که علیرغم ممنوعیت برگزاری تظاهرات، هزاران تن در این روز به خیابانها ریخته شدند. دهها کارگر بازداشت شدند. بویژه در دو هفته گذشته چند کارگر از منزلشان ربوده شده و مدتها زیر شکنجه قرار گرفته از جمله دو کارگر را مدت ۱۴ ساعت شکنجه دادند. انداختن این جنایات، پینوشه را وادار کرده است خود را «بی-اطلاع» از جریان نشان دهد و رئیس پلیس را به عنوان سربلا قربانی کرده است.

محافل سیاسی در آمریکای لاتین اظهار نظر میکنند که هدف پینوشه آن است که تا آنجا که بتواند محیط «امن و آرامی» برای رژیم دیکتاتوری بوجود آورد اما ازمم اکنون روشن است که تمام این تلاشها سرانجامی جز شکست نخواهد داشت.

### کمکهای دولت انقلابی افغانستان به دهقانان زحمتکش

گزارشهای رسیده از افغانستان نشان میدهد برداشت محصول سال جاری روبه پایمان است. در ایالت بدخشان میزان محصول نسبت به سال پیش ۵ درصد افزایش یافته و در بسیاری دیگر از ایالات نیز محصولات افزایش یافته است. کمک دولت به کشاورزان، از قبیل اعطای ماشین آلات و کود شیمیائی به بهائی نازل و همچنین خرید محصولات، از دلایل اصلی افزایش میزان محصولات است. در ایالات مختلف کشور تعاونی‌های دهقانان افغانستان که از زیر یوغ فئودالیسم خون آشام آزاد میشوند دلبستگی روز افزونی به امور کشاورزی نشان میدهند.

از سوی دیگر رادیوی کابل خبر داد سخن از رهبران معروف ضد انقلابی که در جنایات عدیده علیه مردم دست داشته و از جمله چندین مزرعه و مدرسه را به آتش کشیده بودند بدام افتادند. یکی از این ضد انقلابیون را یک گروه مسلح خلق دفاع از خود، بازداشت کرده است.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود



# کشورهای اسلامی بر دو نوع اند: ضد امپریالیسم و وابسته به امپریالیسم

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس ماهیت ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ایران باید با کشورهای ضد امپریالیست و مترقی اسلامی مناسبات دوستانه برقرار کند و در برابر توطئه های کشورهای اسلامی وابسته به امپریالیسم، بایستد.

سیاست خارجی هر دولت جسیدی، بویژه جمهوری اسلامی ایران، که مولود انقلاب شکوهمند مردم این کشور است، باید متکی بر محاسبه درست واقعیتات موجود باشد نه بر تخیلات و القآت، یا بر پیشداوریها و غرض ورزیهای این و آن. برای محاسبه درست واقعیتات موجود نیز مبانی اصولی و معیارهای مشخص لازم است.

ببینیم واقعیتات موجود و مبانی اصولی و معیارهای مشخص در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشورهای اسلامی چگونه باید باشند؟ واقعیتات موجود جهان ما بوضوح نشان میدهد که گروهی از دول اسلامی در جهت تحصیل آزادی و استقلال و تا مین منافع مادی و معنوی خلقهای زحمتکش خود به مبارزه جدی علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، برخاسته اند و در این راه دشوار موفقیت هایی نیز بدست آورده اند.

این امر بهیچوجه تعادلی نیست که از میان همه دولت های اسلامی، بویژه این گروه از دولت ها (و نهضت ها)، مانند الجزایر، لیبی، سوریه، یمن، دمکراتیک، نهضت آزادیبخش فلسطین و... هستند که از انقلاب شکوهمند ایران پشتیبانی کرده و میکنند. و در عین حال بسیاری از دولت های اسلامی دیگر، از مراکش گرفته تا مصر، عراق، ترکیه، عمان، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، پاکستان و... هستند که علیرغم منافع واقعی مادی و معنوی خلقهای زحمتکش، وابسته به امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و دنیا لروی سیاست تجار و زکا رو سلطه گران هستند. و ملاحظه می کنیم که درست همین دولت ها از میان دول اسلامی هستند که در عمل، هر یک به نحوی از آنجا، به مقابله و رویارویی با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برخاسته اند. در ارتباط با اینگونه دولت ها بود که رهبر انقلاب شکوهمند ایران، امام خمینی، در دیدار خود با نمایندگان سازمان های آزادیبخش شرکت کننده در کنگره قدس گفتند:

" شما سرتا سر مالک اسلامی را وقتی که ملاحظه کنید، کم جایی را می توانید پیدا کنید که مشکلاتش بواسطه حکومت - هایشان ایجاد نشده "

جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب شکوهمند مردم کشور، برهبری امام خمینی است. سیاست خارجی این جمهوری، که خود مولود انقلاب است، باید قبل از هر چیز و با قاطعیت و صراحت هر چه تمام تر در راستای انقلاب، برای خدمت به تحکیم مواضع و دستاوردهای انقلاب و پیشبرد آن باشد.

انقلاب ایران دارای ماهیت ضد - امپریالیستی و خلقی است. همین ماهیت اساسی نیز باید تعیین کننده سمت کلی و اصلی سیاست خارجی ایران باشد. بر این اساس روشن است که در قبال دولت های اسلامی نیز ماهیت ضد امپریالیستی و خلقی باید مبانی اصولی مناسبات خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل دهد. و الا تنها اسلامی بودن، چنانکه رهبرانقلاب امام خمینی، نیز تاکید کردند، نمیتواند و نباید مناسبات را مشخص کند.

حکومت هایی که در بلاد مسلمین ست، اینها به اسلام هیچ کاری ندارند اگر یکدفعه اسلام بگویند رای اینکه شما را بازی بدهند. اسلام دام هم مثل اسلام محمد رضا خان است. سلام آن مری هم، سادات هم مثل سلام مدام است "

بدینسان بر مبنای ماهیت ضد - امپریالیستی و خلقی انقلاب ایران، جمهوری اسلامی ایران میتواند مناسبات سترده و همه جانبه ای با دولت ها

## سازمان های توده ای نیکاراگوئه را بشناسیم

دهقانان و کارگران کشاورزی حقیقی هیچگونه شکلی را نداشتند و در صورت اقدام به چنین امری مجازات های بس سنگین آنها را تهدید میکرد. بهمین دلیل نیز، با توجه به نیاز دیرینه و مبرم کارگران کشاورزی در زمینه شکل منفی، بلافاصله پس از پیروزی، انجمن نامه شده تاسیس شد.

بخش عمده زحمتکشان نیکاراگوئه در کشاورزی شاغل است، که ۲۵ درصد تولید فرآورده نا ویژه ملی ۷۵۰ درصد درآمدهای صادراتی کشور را تشکیل میدهد.

انجمن ساندینیست زنان این انجمن نخستین سازمان زنان نیکاراگوئه است، هر چند زنان آن کشور نقش درخشانی در پیکار علیه رژیم سوموزا بازی کردند. هدف های این سازمان در مرحله کنونی عبارتست از: شرکت فعال در کارزار پیکار با بیسوادی، روشننگری در گستره بهداشتی و بهداشتی و تاسیس کودگستان.

جوانان ساندینیست ۱۹ ژوئیه بخش اعظم جوانان نیکاراگوئه در این سازمان شکل یافته اند و از این راه پیکار برای دگرگونی های دمکراتیک در کشور شرکت فعال میکنند. سازمان نامبرده تاکنون بویژه در کارزار پیکار با بیسوادی نقش ارزنده ای به عهده داشته است. سازمان پیشاهنگان ساندینیست بخشی از جوانان ۱۹ ژوئیه است.

یاد آوری می شویم که در حدود هشت ماه پیش، برخی نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی کوشیدند تا با سوء استفاده از نام آگوستو سزار ساندینیو، در حزبی بنام " حزب سوسیال دمکرات ساندینیست " شکل یابند. خوشبختانه هوشیاری مردم این توطئه را عقیم گذاشت.

## گاهنامه انقلاب نیکاراگوئه

خارجی برای مدور فرآورده های سنتی ( بنینه، قهوه، محصولات ماهی ) و ورود کالاهای ضروری. تشکیل دادگاه عالی. ۱۲ شهریور ۱۳۵۸: نیکاراگوئه در ششمین کنفرانس جنبش غیرمتعهدها به عضویت این کنفرانس در می آید. ۲۶ شهریور ۱۳۵۸: با آغاز سال تحصیلی، آموزش دبستانی و دبیرستانی رایگان اعلام می گردد. ۶ دی ۱۳۵۸: تشکیل " جامعه منعست خلق " برای رهبری و اداره موسسات ملی شده. ۱۱ دی ۱۳۵۸: " برنامه اقدامات اضطراری و نوسازی بسود خلق " که از سوی دولت تهیه شده بود، آغاز می گردد. بموجب این " برنامه " تدارکات گذار به اقتصاد طبق نقشه فراهم خواهد آمد. از دیگر هدف های آن، میتوان از ایجاد کار برای ۹۰ هزار بیکار و بهبود تا مین خوار و بار برای سکنه نام برد.

۵ اسفند ۱۳۵۸: تشکیل " سپاه ساندینیست خلق " آغاز میشود. ۴ فروردین ۱۳۵۹: کارزار " بیکار بیسوا " کشایش می یابد. مد وهشتاد هزار آموزگار به تعلیم ۹۰۰ هزار بیسواد می پردازند. ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹: " شورای حکومت نیکاراگوئه " افتتاح و بدین ترتیب مرحله ای نو در روند دگرگونی های دمکراتیک نیکاراگوئه آغاز می شود.

۲۶ تیر ۱۳۵۸: دیکتاتور سوموزا از کشور میگریزد. ۲۸ تیر ۱۳۵۸: اورکویو که از سوی سوموزا بعنوان نخست وزیر موقت اعلام شده بود، فرار می کند. " جنبه ساندینیست آزادی ملی " پیروزی نظامی خود و پایان استبداد سوموزا را اعلام می دارد. " پارلمان " و دیگر بنیادهای رژیم سوموزا منحل میشود. دولت " بازسازی ملی نیکاراگوئه " قانون اساسی جدید را منتشر می کند، که در آن تضمین استقرار آزادی، عدالت و دمکراسی در نیکاراگوئه مسجل است. ۲۹ تیر ۱۳۵۸: " شورای دولت بازسازی ملی " در فرمان شماره ۱ خود اموال و املاک سوموزا را معادله می کند و به مالکیت خلق می سپرد. ۲ مرداد ۱۳۵۸: برای تضمین و تسریع بازسازی ملی قانونی بنام " قسانون اضطرار ملی " اعلام می گردد. ۳ مرداد ۱۳۵۸: بانک های خصوصی ملی می شوند. نخستین شماره " باریکادا " ارگان " جنبه ساندینیست آزادی ملی " انتشار می یابد. ۱۰ مرداد ۱۳۵۸: اصلاحات ارضی، با تقسیم املاک سوموزا میان بیش از ۱۰ هزار دهقان و تشکیل تعاونی ها آغاز میشود. ۱۷ مرداد ۱۳۵۸: تشکیل سیستم دولتی بهداشتی و بهداشتی و " انستیتو بازرگانی داخلی و خارجی " اعلام می گردد. ۱۸ مرداد ۱۳۵۸: ملی شدن بازرگانی

هنوز چند روزی از پیروزی مردم قهرمان نیکاراگوئه بر رژیم سرسپرده خاندان سوموزا نگذشته بود، که سازمان های توده ای گوناگون در آن کشور تاسیس یافت. اکثر این سازمان ها با انتخاب صفت " ساندینیستی " در عنوان خود، از یکسوز نام ژنرال آگوستو سزار ساندینیو " قهرمان خلق نیکاراگوئه " تجلیل کرده اند و از سوی دیگر آمادگی خود را برای پیشبرد دگرگونی های بنیادی و دمکراتیک در نیکاراگوئه، برهبری " جنبه ساندینیست آزادی ملی " نیکاراگوئه ابزاز داشته اند.

ما در زیر به معرفی برخی از این سازمان های توده ای می پردازیم:

این کمیته ها ارگان های خودگردانی هستند که در دوران مبارزه مسلحانه با رژیم سوموزا در مناطق آزاد شده بنیاد گذاری شدند، و پس از پیروزی، به همه محلات و منطقه های شهری توسعه یافتند. هدف " کمیته های دفاع ساندینیست " عبارتست از تا مین امنیت و نظم، روشننگری سیاسی مردم و حل مسائل آنها.

کانون ساندینیست زحمتکشان این سازمان در پائیز ۱۳۵۸ تاسیس یافت و بزودی به بزرگترین سازمان سندیکائی نیکاراگوئه مبدل شد. " کانون ساندینیست زحمتکشان " فدراسیون است، مرکب از سندیکاهای مبارز پیش از انقلاب و اتحادیه هایی که پس از پیروزی در صنایع نیکاراگوئه تشکیل شد.

نمایندگان " کانون ساندینیست زحمتکشان " در مدیریت همه موسسات دولتی شرکت دارند. انجمن ساندینیست کارگران کشاورزی در دوران حکومت دیکتاتور سوموزا،

۲۶ تیر ۱۳۵۸: دیکتاتور سوموزا از کشور میگریزد. ۲۸ تیر ۱۳۵۸: اورکویو که از سوی سوموزا بعنوان نخست وزیر موقت اعلام شده بود، فرار می کند. " جنبه ساندینیست آزادی ملی " پیروزی نظامی خود و پایان استبداد سوموزا را اعلام می دارد. " پارلمان " و دیگر بنیادهای رژیم سوموزا منحل میشود. دولت " بازسازی ملی نیکاراگوئه " قانون اساسی جدید را منتشر می کند، که در آن تضمین استقرار آزادی، عدالت و دمکراسی در نیکاراگوئه مسجل است. ۲۹ تیر ۱۳۵۸: " شورای دولت بازسازی ملی " در فرمان شماره ۱ خود اموال و املاک سوموزا را معادله می کند و به مالکیت خلق می سپرد. ۲ مرداد ۱۳۵۸: برای تضمین و تسریع بازسازی ملی قانونی بنام " قسانون اضطرار ملی " اعلام می گردد. ۳ مرداد ۱۳۵۸: بانک های خصوصی ملی می شوند. نخستین شماره " باریکادا " ارگان " جنبه ساندینیست آزادی ملی " انتشار می یابد. ۱۰ مرداد ۱۳۵۸: اصلاحات ارضی، با تقسیم املاک سوموزا میان بیش از ۱۰ هزار دهقان و تشکیل تعاونی ها آغاز میشود. ۱۷ مرداد ۱۳۵۸: تشکیل سیستم دولتی بهداشتی و بهداشتی و " انستیتو بازرگانی داخلی و خارجی " اعلام می گردد. ۱۸ مرداد ۱۳۵۸: ملی شدن بازرگانی

( نهضت های ) مترقی اسلامی داشته باشد، که در مبارزه پیکار علیه امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در راه آزادی، استقلال، رفاه و ترقی مردم زحمتکش با کشور و مردم ما منافع اساسی مشترک مادی و معنوی دارند. یکی از خطاهای دولت موقت، بویژه وزارت خارجه آن، این بوده است که تاکنون که یکسال و نیم از قیام قهرمانانه مردم ایران میگذرد، هنوز هم مناسبات جمهوری اسلامی ایران با عده ای از دولت های مترقی اسلامی، که زیاد هم نیستند ( نظیر لیبی، یمن دمکراتیک ) چنانکه شایسته است، نیست. برعکس، وزارت امور خارجه ایران، بخصوص در دوران تعدی آقای قطب زاده دائما تلاشی کرده است تا با دولت های نظیر ترکیه و پاکستان و امارات متحده عربی " مناسبات دوستانه " برقرار کند. اکنون که اولین دولت قسانونی جمهوری اسلامی ایران در شرف تشکیل است، وقت آن رسیده است که درسیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بطور کلی، و در مناسبات آن با دولت های اسلامی بویژه، تجدید نظر اساسی بعمل آید.

## در جهان سوسیالیسم

### افزایش در آمد ملی، تولید صنعتی و بار آوری کار در

«شورای همیاری اقتصادی»

در سال گذشته درآمد ملی شوراهای عضو «شورای همیاری اقتصادی» ۲/۵ درصد افزایش یافت. در همین سال افزایش تولید صنعتی در این کشورها ۳/۶ درصد بود. بدین ترتیب، تولید صنعتی شوراهای عضو «شورا» در چهار سال گذشته ۲۲ درصد افزایش پذیرفته است.

سال پیش شوراهای «شورای همیاری اقتصادی» ۱۶۶۰ هزار میلیون کیلووات ساعت برق، ۶۰۴ میلیون تن نفت، ۴۶۰ میلیارد مترمکعب گاز، ۲۱۰ میلیون تن فولاد، ۳۷۰ هزار مابین ابزارسازی، ۷۲۳ هزار تراش، ۲۱۲۵۰۰۰ ماشین سواری، ۸/۷ میلیون پخچال، ۳۵ میلیون تن کود معدنی ۱۹۴/۲۰ میلیون تن سیمان تولید شد. در چهار سال اخیر تولید صنایع مهندسی و فلزکاری در شوراهای نامبرده، ۴۳ درصد افزایش یافت. در این دوران بار آوری کار در صنایع این کشورها ۱۷/۹ درصد ازدیاد پیدا کرد. شوراهای عضو «شورا» سه چهارم افزایش تولید صنعتی خود را مدیون ازدیاد بار آوری کار بوده اند.

## در جهان سرمایه داری

### وخامت اوضاع اقتصادی در

### کشورهای امپریالیستی

چندی پیش خبرنگار خبرگزاری «آسوشیتد پرس»، جک آبوت، نوشت به پیش بینی «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»، غرب در انتظار بدترین سال از ۱۹۷۵ تاکنون باید باشد. در سال جاری، احتمال دارد که تورم، بیکاری و سرسوزانه پرداختها را نورد های جدیدی بجای بگذارد. آنگاه رشد در بهترین حالت ۳/۴ درصد کاهش یابد. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی «خطار داده است که چنانچه کشورهای تولیدکننده نفت، تولید خود را پائین نیاورند و بیست و چهار شور عضو «سازمان» به اقدامات جدی برای تحدید مصرف نفت نپردازند، آینده این کشورها، از این نیز تیره تر خواهد بود.

اوایل دسامبر سال گذشته، «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» بر پایه رشد ۳/۲۵ درصدی فرآورده ناویژه اجتماعی شوراهای عضو «سازمان» در سال ۱۹۷۹، پیش بینی کرد، که این رقم در سال ۱۹۸۰ تنها ۱ درصد خواهد بود. اینک پیش بینی میشود که آنگاه «رشد» ایالات متحده آمریکا و بریتانیا در سال ۱۹۸۰ برترتیب ۱/۵ - درصد و در ۲ - درصد باشد. بزرگترین رقم رشد برای ژاپن، بمقدار ۴/۷ درصد، پیش بینی شده است. آنگاه رشد جمهوری فدرال آلمان ۲/۲۵، فرانسه و ایتالیا ۲ و کانادا ۱/۵ درصد خواهد بود. بموجب این گزارش، در سال ۱۹۸۰ نرخ تورم در گستره «سازمان» به ۱۰ درصد و سری موازنه پرداختها به ۵۰ تا ۵۵ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. شماره بیکاران، که در پایان سال پیش ۱۶/۷ میلیون بود، نخست به ۱۹/۵ میلیون و اواخر سال ۱۹۸۰ به ۲۰/۱۵ میلیون خواهد رسید و بدین ترتیب ریزش جدیدی بجای خواهد گذاشت.

بمبارزه سیاسی و نظامی برای پیشبرد حقوق قانونی خلق فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت خویش و تشکیل یک کشور ملی مستقل، مشغول است.

برنامه " جنبه دمکراتیک " هدف استراتژیک این سازمان را ایجاد جامعه سوسیالیستی در چنین کشوری تعیین می کند. " جنبه " دمکراتیک برای آزادی فلسطین " با احزاب کمونیست منطقه خاورمیانه و محافل غیر صهیونیستی اسرائیل دارای مناسبات نزدیک و برادرانه است و در زمینه سیاست خارجی برای دوستی خلق فلسطین با اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اهمیت استراتژیک قائل است.

نایف حواتمه، دبیرکل " جنبه " دمکراتیک "، بارها تاکید کرده است که برای رویارویی با افزایش دیسپله های امپریالیستی در خاور نزدیک، لازمست که پیوند میان " سازمان آزادیبخش فلسطین " و " جنبش ملی - مترقی لبنان " گسترش یابد و " جنبه " باینداری عرب " هر چه بیشتر تحکیم پذیرد.

" جنبه " دمکراتیک برای آزادی فلسطین " سالهاست که با حزب بوده ایران مناسبات دوستانه دارد. هیئت نمایندگی حزب ما در اسفندماه گذشته، در مراسم یازدهمین سالگرد تاسیس " جنبه " دمکراتیک " در بیروت و دمشق شرکت جست و با استقبال بر سرور مردم فلسطین روبرو شد.

### جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین را بشناسیم

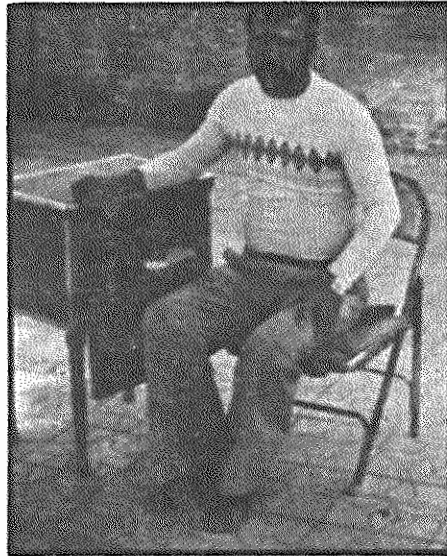
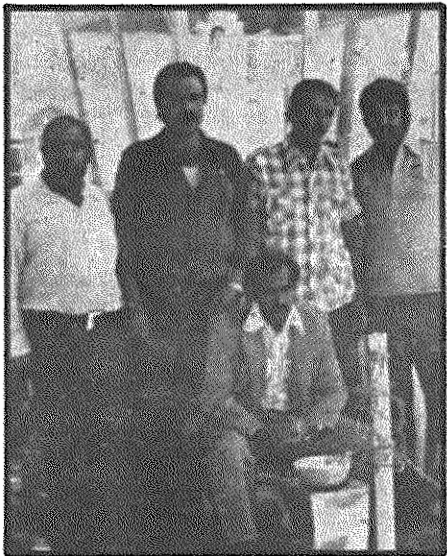
### «جنبه دمکراتیک» برای دوستی خلق فلسطین با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی

### اهمیت استراتژیک قائل است

" جنبه " دمکراتیک برای آزادی فلسطین " در سوم اسفند سال ۱۳۴۸ پس از انتخاب برخی از بنیانگذاران آن از " جنبش خلق برای آزادی فلسطین "، تاسیس یافت. دبیرکل " جنبه " دمکراتیک " رقیب نایف حواتمه است، که از تاسیس این سازمان تاکنون سمت نامبرده را بعهده دارد.

" جنبه " دمکراتیک برای آزادی فلسطین " در " سازمان آزادیبخش فلسطین "، برهبری یاسر عرفات، عضویت دارد. " جنبه " دمکراتیک " همچنین در " شورای ملی فلسطین " شرکت میکند و در " کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین " دارای یک نماینده است. " جنبه " دمکراتیک برای آزادی فلسطین "، در خارج صوبات " سازمان آزادیبخش فلسطین "،

# کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان انجام خواستههای بحق خود را میخواهند



بخشنامه‌های فقط بهانه‌ای بود برای سرکوب و راه تازه‌ای بود برای منحرف کردن ذهن زحمتکشان.

در این مورد، همانطور که در موارد دیگر نیز متذکر شده‌ایم، نظام انقلابی می‌تواند و باید دستمزدها را بر مبنای نیازهای ضروری زندگی خانوادگی کارگران و متناسب با هزینه زندگی تنظیم و پرداخت کند.

در مورد دیگر، ناراضیاتی که کارگران، مشکل و شیوه مدیریت این شرکت را در بر می‌گیرد.

شخص مدیر عامل شرکت در مصاحبه با روزنامه حرکت اصفهان (شماره ۲۶ تاریخ ۵۹/۲/۳۰) ضمن اشاره به ناراضیاتی کارکنان شرکت از شیوه اعمال مدیریت، آن را "طبیعی" دانسته و گفته است که، هر کسی حق خود را می‌خواهد و چون همه به این حق نمی‌زنند، ناراضی می‌شوند.

البته با قسمت اول این اظهار نظر که ناراضیاتی "طبیعی" باشد، نمیتوان موافق بود. اگر مدیریت انقلابی در واحدهای گوناگون اعمال شود، بی تردید با استقبال عموم زحمتکشان روبرو خواهد شد و بویژه در شرایط بغرنج کنونی، در حالی که امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب دست پرورده‌اش از هر امکانی بسود خود استفاده می‌کنند، این گونه ناراضیاتی ها طبیعی نیست و نباید چنین بر خوردی با آن بشود. باید زمینه‌های واقعی ناراضیاتی های عمومی را از میان برداشت و چنین کاری جز با برخورد اصولی ممکن نیست. بر- خود اصولی ناراضیاتی را نوعی عارضه دردناک و نا سالم می‌داند و در رفع آن می‌کوشد.

اما قسمت دیگر گفته مدیر عامل شرکت واحد اصفهان گوشه‌ای از واقعیت را در خود دارد. هر کس حق خود را می‌خواهد. این درست است. نمی‌توان در کوتاه مدت هم خواسته‌های همه افراد را بر آورد. این هم درست. ولی میتوان بطور عمده، خواسته‌های اولیه و نیازهای ضروری زندگی روزمره خانوادگی زحمتکشان را مرتفع کرد. این کار شدنی است و کارگران، عموماً چیزی در این حد را مطرح می‌کنند.

ناراضی کارگران، بر خلاف نظر مدیر عامل، در این جا نیست. در آن است که مدیریت سندیکا را منحل میکند و خود را مستقیم در برابر کارگران قرار میدهد. داشتن سازمانهای صنفی حق مسلم زحمتکشان میهن ماست. این را قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح کرده است. کارگران جز با تشکیل در سازمانهای صنفی نمی‌توانند از حقوق خویش بطور سازمان یافته و بنا- بر این موثر و مفید در برابر تجاوز کار فرمایان و اجحاف‌های گوناگون دفاع کنند.

این را خود کارگران بتجربه دریافته‌اند. کارگران می‌دانند که انحلال سازمانهای صنفی بمعنای فراهم کردن مقدمه و زمینه لازم بمنظور تضييع و پايمال کردن حقوق آنان است. اما این نظام انقلابی چنین نمی‌خواهد و دست اندر کاران مسئول آن نیز در این جا و آن جا نیایند دست به اقداماتی زننده که چنین شبهه‌ای را برای پاره‌ای زحمتکشان فراهم آورد.

ما امیدواریم که قانون کار آینده با صراحت انقلابی از هر جهت بر این خواست بحق و اصولی کارگران صحت گذارد و شرایط و چارچوب واقعی و عملی آن را مشخص کند.

قبل از تمام جمعه‌ها کار می‌کردیم و مزد می‌گرفتیم، ولی الان فقط یک جمعه در هر ماه به ما حقوق میدهند. حق پارکینگ و ناهار هم کم شده. گرانی هم بیداد می‌کند. من بفکر خودم نیستم، ولی جواب زن و بچه‌هایم را نمی‌توانم بدهم.

حسین ساکی، راننده خط ۱۲: "برای وام به کارگران شرکت بودجه‌ای در نظر گرفته شده، ولی به هیچکس وام نمی‌دهند. حقوق ماها نه- ما را هم ۱۰ الی ۱۲ روز دیر می‌دهند." عباس هاشمی، بلیط فروشنده- بینای خیابان شیخ بهایی:

"۹ سال است کار می‌کنم. با روزی ۶ و ۷ تومان شروع کردم و موقعی که منار به حقوق اضافه شد، هزینه زندگی چندین برابر بالا رفت. من از عهده این قیمت‌ها بر نمی‌آیم. تازه حق جمعه‌ها و حق ناهار و پارکینگ را هم کم کرده‌اند."

حسین رستگار پناه، بلیط فروشنده خیابان فلسطين:

"یازده سال سابقه کار دارم و هفت نفر را باید غذا بدهم. حق اولاد، بیمه، پارکینگ و ناهار را، که جمعا ماهیانه هزار تومان میشود، از من کم کرده‌اند. با این وضع گرانی قادر به هیچ کاری نیستم."

آبچه مسلم است، کارگران شرکت واحد اصفهان عموماً از میزان دستمزد خویش ناراضی‌اند. آنها زیر بار کمر- شکن هزینه سرسام آور زندگی شان سه‌خم کرده‌اند. گرانی طاقت فرسا است و افزایش اندک دستمزدها نیز چندان دردی از آنان دوا نکرده است.

بدیهی است که دستمزدها در مقایسه با دوران طاغوت، بقول مدیر عامل شرکت واحد اصفهان، روزانه سیصد و سه ریال افزایش یافته است. ولی مقایسه با میزان دستمزد در دوران - طاغوت گویای همه جوانب این مساله نیست، بلکه این مقایسه موید آن است که در نظام جمهوری اسلامی ایران به کارگران توجه بیشتری شده است. اما کارگران از سؤلیت این نظام انقلابی بدترستی انتظار دارند که وضع سابق را مبنای نگیرند. در گذشته هیچ حکمی و هیچ امتیازی نبود کارگران نبود. هر

اصفهان آمد، ولی متاسفانه به جای گفتگو با کارگران، با شورش که ما آنرا منحل کرده‌ایم، تشکیل جلسه داد و افرادی را اخراج کرد. اگر این وضع ادامه پیدا کند، مستقیماً پیش امام می‌رویم. اینها نمی‌توانند انقلاب را بر گردانند."

حسین علی ریش سفیدان، بلیط فروشنده میدان امام:

"در حدود ۶ سال است که در این شرکت کار می‌کنم. خانه من نزدیک دولت آباد است و آنجا نیز کیوسک بلیط فروشی هست، ولی من باید از خانه ام سه تومان پول تاکسی بدهم و به میدان امام بیایم، در صورتیکه میتوانم مرا در همان کیوسک نزدیک خانه ام بگذارند. با آمدن مدیرعامل فعلی، حق ناهار و پارکینگ را از ما کم کرده‌اند. برای ایجاد تفرقه، حق ناهار را به راننده‌ها میدهند، ولی به بلیط فروشها، کمک راننده‌ها و کنترل چی‌ها نمی‌دهند. دلم خوش است که هشت ساعت در روز کار میکنم، ولی وقت آزادم را باید دنبال گرفتن بلیط باشم، در حالیکه میتوانم بلیط را بیاورم و به ما بدهند."

اصغر دهقان، بلیط فروشنده خیابان حکیم نظامی:

"۱۰ سال سابقه کار دارم. قبلاً حقوق ماها نه- من با کار روزجمعه و کلیه مزایا ۲۷۰۰ تومان می‌شد. ولی الان جمعه‌ها کار تعطیل است و ۳۰۰ تومان با بابت از حقوق من کم کرده‌اند. حق ناهار و پارکینگ هم کم شده. نمی‌دهند. هشت سال پیش مریض شدم و یک پاییم فلج شد، ولی هنوز بیمه به آن رسیدگی نکرد. است، در حالیکه همیشه حق بیمه از ما کم میشود. همین الان که با شما صحبت می‌کنم، پاییم درد می‌کند. بر اثر نداشتن خانه و زندگی نتوانسته‌ام زن بگیرم. میدانم وضع دولت ناسامان است، اما انتظار دارم که به وضع ما رسیدگی کنند. گرانی ما بحتاج کم‌کم را شکسته است."

حسین علی نظری، کمک راننده خط ۱۲:

"۱۲ سال است در شرکت کار می‌کنم. شش سال بلیط فروشنده بودم و بعد از آن تا حالا کمک راننده هستم."

اتوبوسهای شرکت واحد همه روزه انبوهی از مردم را، که اکثراً جز و طبقات کم درآمد و محروم جامعه هستند، از گوشه‌ای به گوشه دیگر شهر می‌برند.

شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان حدود ۸۰۰ نفر کارگر اعم از بلیط فروشنده، راننده، کمک راننده و تعمیرکار، و صدوسی دستگاه اتوبوس دارد، که باید در ۲۶ مسیر مختلف حرکت کنند. مسافری اتوبوسها اغلب از کمبود اتوبوس و دیر رسیدن آن شکایت دارند. برای آشنائی با وضع کارگران این شرکت و اطلاع از خواسته‌های آنها و نیز تحقیق در مورد علل ناراضی مسافری، به نقاط مختلف شهر رفتیم و با رانندگان، کمک راننده‌ها و بلیط فروشان به صحبت نشستیم.

"اغلب اوقات ماشین در خط‌ها نیست. مثلاً بجای ۷ ماشین، در خط- سیرها بیشتر وقتها ۳ ماشین دررفت و آمد است. خوب، معلوم است که ما هم نمیتوانیم نیاز مردم را بطور کامل برطرف کنیم. ماشینها مرتب سرویس نمی‌شوند و علت این امور هم عدم تصفیه کامل در شرکت است."

از عباسعلی موحدی، راننده خط شماره ۲، در این مورد سؤال میکنیم. می‌گوید:

"ما ۱۳۰ دستگاه ماشین داریم که سی‌تای آن همیشه بعلمت خرابی خوابیده است. تعمیرگاه هم بخاطر کم کاری و کمبود کارگر ما هر کارش بازده چندانی ندارد و اغلب ماشین تعمیر نشده رابه راننده دیگری تحویل میدهند."

از طرف دیگر صد دستگاه ماشین را که باید برای آبیاب و ذهاب مردم بکار بیاندازند، مدیر شرکت به موسسات دیگر مثل شرکت نفت، راه آهن، مرکز تکامل صنعتی، دانشگاه، شهرداری، کارخانه ناسیونال و حتی برای کارهای دیگر بطور بی‌بستی گزینش میدهد."

از وضع خودشان می‌پرسیم. درد دلها زیاد است و تا کنون هیچگونه رسیدگی به آن نشده. چشم امیدشان بدولت انقلاب است و از کار شکنی‌های مسئولین شرکت به تنگ آمده‌اند. رشته سخن را به آنها می‌سپاریم، زیرا حرفهایشان ما را از هر گونه توضیح اضافی بی‌نیاز می‌سازد.

محمد کریمی، بلیط فروشنده میدان امام:

"سیزده سال سابقه کار دارم. قبل از آمدن مدیر عامل جدید، سندیکای تشکیل داده بودیم که در جهت خواسته‌هایمان قدم بر میداشت. ولی دو ماه پیش مدیر عامل جدید آمد، سندیکا را منحل کرد و یک شورا تشکیل داد. ولی ما کارگران شرکت با اکثریت آرا شورا را منحل کردیم و خواهان تشکیل مجدد سندیکا هستیم. فعلاً نه شورا و نه سندیکا داریم، که از حقوقمان دفاع کند. مدیر عامل بی جهت در کار شرکت تعاونی دخالت می‌کند. او حق ناهار و پارکینگ ما را حذف کرده و بی جهت سعی در ایجاد ناراضیاتی بین ما می‌کند. یکبار می‌خواستیم بطور دستجمعی مقابل استانداری تحصن کنیم، ولی بخاطر فرمان امام و جلوگیری از تشنج از اینکار خودداری کردیم."

عیسی نیازی، راننده خط شماره ۱۲:

"تنها وزارت کار قادر به منحل کردن سندیکا است. در صورتیکه مدیرعامل فعلی شخصاً سندیکا را منحل کرد و یک شورای مصلحتی تشکیل داد. ولی ما با هوشیاری و با اکثریت آرا شورا را منحل کردیم. یک هیئت پاکسازی به

سندیکای کارگران و کارکنان های تهران و حومه، در ارتباط با مسایل صنعت سینما، اخیراً با انتشار بیانیه‌ای، ضمن طرح نظرات خود، رهنمودهای مفیدی ارائه داشته است. در این اعلامیه می‌خوانیم:

سندیکای کارگران و کارکنان سینماهای تهران و حومه اوضاع کنونی و گذشته سینماهای سرتاسری کشور عزیزمان ایران را بشرح ذیل با اطلاع کلیه کارگران سینماهای ایران و مردم میهنمان می‌رساند:

۱- فعالیت ما حیان سینماها را در ۲۵ سال گذشته، که با نمایش فیلم‌های مبتذل آمریکا بی و غریبی جامعه ایران را به فساد کشاندند و مدها میلیتاریسم ریال پول درآمد مردم ایران را بجیب ریخته‌اند و در همین حال با دستگاه‌های پلیسی رژیم همکار نزدیک داشته‌اند، قویا محکوم می‌کنند.

۲- سندیکای کارگران و کارکنان سینماهای تهران و حومه معتقد است که صنعت سینمای ایران باید از دست کار- فرمایان خصوصی خارج شده، در تمام

## سندیکای کارگران و کارکنان سینماهای تهران:

### باملی کردن صنعت سینما، کارگران این صنعت را زیر پوشش قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی قرار دهید.

ادامه دارد. قوانین کار و بیمه اجتماعی درباره کارگران و کارکنان سینماها بطور کامل اجرا نشده، و این قشر عظیم زحمتکش از نظر شرایط کار در وضع سختی بسر میبرد. سندیکا خواستار آنست که همزمان با مملی کردن صنعت سینما در ایران، کلیه کارگران و کارکنان سینماها بخدمت دولت درآیند و از شمول قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی و دیگر مزایا برخوردار شوند. سندیکا آمیدوار است که هر روز وحدت سندیکایی این قشر کارگران روزافزون و همبستگی تمام کارگران سینماهای سرتاسری کشورمان ایران عزیز پرتوان- تر و متحدتر گردد.

۵- سندیکای کارگران و کارکنان سینماهای تهران و حومه در شرایط کنونی با توان هرچه پرتوانتر از انقلاب ایران و از دستاوردهای انقلاب دفاع کرده و مبارزه علیه تهاجم نظامی و تحریم اقتصادی امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، را وظیفه میهنی و انقلابی خود می‌داند، و درخا نوا ده کارگری، مادگی خود را جهت دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی برهبری امام خمینی اعلام می‌دارد.

موارد آن، از فیلم سازی تا نمایش فیلم، ملی شود. مسلمانان را اینصورت است که وسیله بسیار مهم تبلیغاتی از یسد سرمایه‌داران آزمند داخلی و خارجی رها شده و امکان تبلیغ بسود هدفهای ملی و میهنی مردم ایران، برهبری امام امت خمینی بت شکن، فراهم میگردد.

۳- سندیکا معتقد است که صنعت سینما در ایران چنانکه شاید و باید ترقی ننموده و آنچه در گذشته وجود داشته، کاریکاتور از صنعت سینما بوده است. سینما وسیله مهمی در تبلیغ و اشاعه میهن پرستانه و استقلال طلبانه است. سینما در آگهی‌ها دادن به توده مردم و نشر افکار مرفقی و اخلاق متعالی در آنان نقش مهمی ایفا می‌کند. بنا بر این صنعت سینمای ایران با بدبطور همه جانبه تقویت گردد، فیلم‌های ایرانی به روی صحنه درآید و سینما وسیله‌ای آموزشی و مفیدی تا قلب روستاها رسوخ نماید.

۴- کارگران و کارکنان سینماهای تهران و حومه در سالهای رژیم طاغوت در معرض شدیدترین استثمار و نقض حقوق انسانی قرار داشته‌اند، که هنوز هم

جاده قدیم شیراز- کازرون را تعمیر کنید.

پس از احداث جاده جدید شیراز - کازرون، جاده قدیم آن بصورت محروبه و غیر قابل استفاده در آمد. در مسیر این جاده چندین روستا قرار دارد، که بعلمت وضع خراب جاده، روستائیان مجبورند مسیر دیگری را طی کنند و از طریق تنگ بل الحیات به کازرون روند، و این خود مستلزم خرج بیشتر و تحمل زحمات فراوانی است.

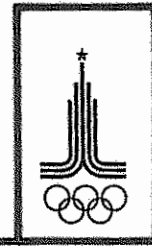
روستائیان این مناطق میگویند: "با توجه به وضع خراب جاده، چطور مریضهای خود را به شهر برسانیم؟"

از سوی دیگر، اغلب ماشین‌های راه سازی در این منطقه را کم مانده است و با توجه به خرابی جاده، روستائیان خواهان ترسیم جاده قدیم شیراز- کازرون هستند، تا برای رفت و آمد به کازرون در مضیقه نمانند.

ما امیدواریم که هر چه زودتر با ترسیم این جاده، مشکلات دهقانان این ناحیه رفع شود.



# شکوه آرمان های المپیک



"بازیهای مسکوفوقا لعاده دقیق بر- گزار شده اند و چنین تشکیلاتی در هیچ المپیک گذشته ای سابقه نداشته است."

ماريو واسکز انيا، رئيس جمعيت كميته های ملی المپیک، که در عين حال رئيس كميته ملی المپیک مكزيك است، اظهار داشت:

"من همواره اطمینان داشتم که مسابقات المپیک را با شکوه برگزار خواهد نمود. لیکن بازیهای مسکو حتی درخشانتر و با شکوه تر از پیش بینی های من برگزار شد."

اعضای "خانواده المپیک"، یعنی شرکت کنندگان در کنگره های بین المللی هیئت های ورزشی، توریست ها و سایر میهمانان خود را در خانه خویش احساس می کردند.

بازیها در سطح عالی ورزشی، تشکیلاتی و فنی برگزار شد.

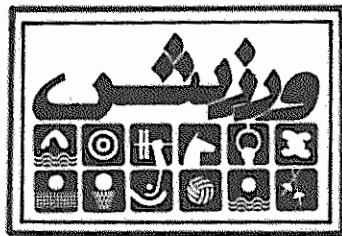
اینگونه اظهار نظرها، که تعدادشان بیشمار است، گواه آنست که خلق شوروی، با قبول مسئولیت پرافتخار برگزاری المپیک ۸۰، از هیچ کوشی فروگذار نکرده است، تا بازیهای مسکو به بزرگترین رویداد بین المللی ورزشی و نیروی محرکه جدید برای گسترش آرمان های جنبش المپیک تبدیل گردند.

اعضای کمیته بین المللی المپیک، سرپرستان فدراسیون های بین المللی ورزشی و کمیته های ملی المپیک معتقدند که موفقیت بیست و دومین بازیهای المپیک فیه ای کمرنگ به کوشش های بی نتیجه دستگاه رهبری ایالات متحده در جهت برهم زدن این بازیهای فرود آوردن بوجی و بی اساسی کوشش بعضی از نیروها را برای استفاده از ورزش در خدمت اهداف مغرضانه سیاسی به اثبات رسانید.

در مدت تدارک و برگزاری المپیک ۸۰، جنبش المپیک صفوف خویش را استحکام بخشید و قدرت و دوام آرمانهای خویش را نشان داد، و بدین ترتیب محبوبیت و حمایت جهانی بیشتری نیز کسب کرد.

تنها جای تاسف آنست که ورزشکاران بعضی از کشورها قربانی یک بازی تاشا بسته سیاسی شدند و امکان نیافتند که در بازیهای المپیک شرکت جویند. و بدین گونه، امیدها و آرزوهای بسیاری از ورزشکاران، که طی سالها برای بزرگترین مسابقات ورزشی جهان آماده می شدند، بباد رفت.

مشکل بیست و دومین بازیهای المپیک خاموش شده است. لیکن در قلمرو میلیونها علاقمند به ورزش در نقاط مختلف جهان ذره ای از آن افروخته است، و این، بازیهای ملج و دوستی را فروغ می بخشد.



تیم تنیس روی میز ایران به زاین می رود

بدعت کمیته تشکیلاتی ژاپن، تیم تنیس روی میز ایران روز سه شنبه ۹ شهریور ماه، برای شرکت در بازیهای سه قاره ای (آسیا، آفریقا، آمریکا لاتین) به ژاپن خواهد رفت. این مسابقات تا روز دوشنبه ۱۷ شهریور ماه بطول خواهد انجامید و ۵ بازیکن از سوی فدراسیون تنیس روی میز ایران به این مسابقات اعزام خواهند شد. اعضای تیم ایران در جریان مسابقات قهرمانی کشور، که در شیراز برگزار می شود، مشخص خواهند شد.

## کارگران قندریز: تلخکام در زندگی

کارگران صنعت قندریز، که از جمله با سابقه ترین کارگران ایران هستند، عمدتاً در کارگاههایی (در حدود ۱۰۰ کارگاه کوچک و متوسط در تهران) که در نقاط مختلف تهران مانند: جاده قم و جاده مسگرآباد و کاروانسراهای اطراف شوش قرار دارد، گردآمده اند و بکاری سخت مشغولند.

اصولاً کارتولید و تامین قند برای مصرف داخلی کشور را ۳ بخش مختلف بعهده دارند: ۱- کارخانه های دولتی و خصوصی بزرگ، که از چغندر قند، شکر و قندکله تولید می کنند، مانند کارخانه های هفت تپه خوزستان (فریمان- شیروان- شیرین) خراسان و شاهزاد قزوین و... ۲- کارگاه های کوچک، که از شکر تولیدی و یا شکر وارداتی، قندکله شهری و یا قندحبه ماشینی تولید می کنند.

۳- واردات قند از خارج، که بصورت قند حبه از کشورهای بلژیک و فرانسه و... به ایران صورت می گیرد.

کارگران این صنف، که سندیکی کارگران قندریز تهران تعدادی از آنان را در خود متشکل ساخته است، در کارگاه های نوع دوم مشغول بکار هستند.

کار "قندریز"ی را میتوان از جمله کارهای سنگین بحساب آورد، زیرا حمل کيسه های شکر و تخلیه آن از داخل ماشین به کارگاه، که وزن آنها در حدود ۵۰ و یا ۱۰۰ کیلوگرم است، و همچنین حل طشتکهای قند مذاب، که حرارت فوق العاده زیادی دارد و اگر به جانی از بدن بریزد، مانند روغن داغ میسوزاند (خطری دائمی برای کارگران فاقد وسایل حفاظتی) و بالاخره جابجایی کيسه های قند از طرفی و مکانیزه نبودن وسایل کار از طرف دیگر (در کارگاه های کوچک امر مکانیزه کردن وسایل کار تقریباً غیرممکن است) باعث می گردد که

### آغاز مسابقات کشتی قهرمانی جوانان ایران

مسابقات قهرمانی کشتی جوانان ایران از روز چهارشنبه ۲۹ مرداد ماه با حضور کشتی گیران ۱۷ تا ۲۰ سال سراسر کشور در سالن بدیع زادگان تهران آغاز می شود. قهرمانان این دوره تا وزن ۹۰ کیلو برای شرکت در مسابقات قهرمانی جوانان جهان، که در کانادا برگزار خواهد شد، به این کشور عزیمت خواهند کرد.

### یک رکورد ۴x۲۰۰ متر بانوان جهان شکسته شد

در جریان یک رکورد شکنی، تیم ۴x۲۰۰ متر بانوان جمهوری دمکراتیک آلمان رکورد جدیدی برای جهان در این رشته بدست آورد.

تیم جمهوری دمکراتیک آلمان موفق شد که ۴x۲۰۰ متر را در یک دقیقه و ۲۸ ثانیه و ۲ دهم ثانیه طی کند، و بدینسان ۲ ثانیه رکورد جهان را بهبود بخشید.

رکورد قبلی این رشته به تیم اتحاد شوروی با زمان یک دقیقه و ۳۰ ثانیه و ۲ دهم ثانیه تعلق داشت.

### تیم ژیمناستیک ایران به شوروی می رود

برای انتخاب تیم ژیمناستیک ایران جهت اعزام به اتحاد شوروی، از روز دوم شهریور ماه، در تالار ژیمناستیک ورزشگاه امجدیه مسابقات انتخابی برگزار خواهد شد.

فدراسیون ژیمناستیک ایران از هیئتهای ژیمناستیک استان ها خواسته است که ورزشکاران خود را به این مسابقات اعزام کنند.

### لرستان، میزبان مسابقات کشتی قهرمانی ایران

پس از بازدید رئیس فدراسیون کشتی ایران از تاسیسات و امکانات ورزشی استان لرستان و طبق توافق استان تدار و رئیس تربیت بدنی استان، برگزاری مسابقات قهرمانی ایران در استان لرستان قطعی شد. بنا به گزارش دبیر هیات کشتی لرستان، مسابقه های قهرمانی کشور در کشتی آزاد در روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ شهریور ماه و مسابقات کشتی فرنگی در روزهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ شهریور ماه سال جاری در این استان برگزار خواهد شد.

## مسائل کارگری

این کار جزء کارهای مشکل و سنگین محسوب شود. مشکل اصلی کارگران این صنف فصلی بودن است.

کارگران فصلی این صنف، که معمولاً از اوائل پائیز یا عید نوروز به مدت چند ماه مشغول بکاری شوند، بیمه نیستند و از هیچگونه مزایای قانونی کار استفاده نمی کنند. چه بسا کارگرانی که سالیان دراز در این کارگاهها (و حتی در یک کارگاه) کار کرده، ولی از سابقه کار و مزایای دیگر بی بهره مانده اند. برعکس کارگران فصلی، کارگران دائمی این صنف از مزایای کار و بیمه و غیره استفاده می کنند.

دستمزد کارگران قندریز بعلت سختی کار در حد متوسطی است. این دستمزد برای کارگران تازه کار روزانه در حدود ۱۰۰۰ الی ۱۳۰۰ ریال و برای کارگران حرفه ای تر و خلیقه (اوستا) بیشتر از اینهاست.

یکی از شگردهای کارفرمایان این است که حقوق کارگر را با همه مزایا ذکر و منظور میکنند. مثلاً حقوق کارگری را ۳۰۰۰۰ ریال تعیین می کنند و می گویند که این دستمزد سود ویژه، حق اولاد، حق مسکن، خواربار و همه مزایای کارگری را در بر می گیرد، و در هر ماه از وی رسید دریافت می کنند.

از دیگر شگردهای کارفرمایان، استفاده وسیع از کارگران افغانی است که مزد کمتری دریافت می دارند و بسادگی آنها را اخراج میکنند. وضع کارگران و کارگاهها از نظر ایمنی و بهداشت محیط کار، بسیار اسفناک است. کارگران معمولاً فاقد دستکش هستند (کارفرما دستکش نمی دهد) از این جهت و در بیشتر مواقع، کارگران این صنف را می توان از تاولهای دستشان تشخیص داد. بخار شیرینی قند باعث خرابی دندانهای خلیفه، که بالای اجاق می نشیند، می شود. حمل بارهای سنگین نیز صدمات زیادی به کارگران وارد می آورد. (در کارگاه های کوچک کارگران خود وظیفه باربری را تقبل می کنند و درازای جابجایی هر کيسه ۵ الی ۸ ریال دریافت می دارند.)

سندیکی این صنف، که در دوران رژیم سابق نیز وجود داشت، همانند سایر سندیکاهای از این دست، حافظ منافع کارفرمایان بود. مثلاً رئیس هیئت مدیره سندیکا خود سابقاً خلیفه بوده و سپس دارای کارخانه کوچکی شده است.

در مقابل، کارفرماها اتحادیه ای دارند که در آن تصمیماتی درباره نرخ فروش قند و تعیین حقوق کارگران و مبارزه با کارگران انقلابی گرفته می شود. بعنوان مثال میتوان از تصمیمی که در گذشته در مورد منع استخدام کارگران مبارزی که بعلت احقاق حقوق خود اخراج شده بودند، توسط دیگر کارفرمایان نام برد. کارگران گزیری جز تشکل سندیکائی در برابر کارفرمایان ندارند، زیرا فقط از این طریق میتوانند از حقوق خود دفاع کنند.

### نقش دولت در رابطه با صنعت قندریزی

کارخانه های قندریزی زمانی می توانند بکار خود ادامه دهند که:

اولاً تولید چغندر قند در داخل کشور ناکافی باشد،

ثانیاً، خرید شکر از کشورهای خارجی همچنان ادامه یابد.

واضحتر بگوییم، اگر چغندر قند در داخل کشور به قدر کافی وجود داشته باشد، دیگر نیازی به دوباره کاری نیست، که اول از چغندر، شکر تهیه کنیم و سپس آن را به قند تبدیل نماییم، بلکه می توان در کارخانه های قند مستقیماً از چغندر قند تهیه کرد. از این رو با تولید کافی چغندر قند و ایجاد کارخانه های قند دولتی در دراز مدت، دیگر وجود این نوع کارگاهها ضروری به نظر نمی رسد.

اما در موقعیت کنونی دولت میتواند با دادن وام به آن عده از کارفرمایانی که سعی در ماشینی کردن دستگاهها و گسترش کارگاههایشان را دارند، به امر تولید بیشتر قند و قطع ورود آن از خارج نقش مؤثری ایفا کند. البته تهیه قند حبه به وسیله ماشینهای اتوماتیک موجود خیلی با صرفه تر و اقتصادی تر است، ولی اکثر مردم شهرها و قریب به اتفاق روستائیان میهمان، از استفاده از قند حبه امتناع می کنند. این نیز دلیلی است برای توسعه کارخانه های قندریزی در شرایط کنونی.

**تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکائی) ضرورت انقلاب ایران است**

### اخبار کارگری

#### کارگران بیکار سندیج خواستار اقدامات جدی در زمینه ایجاد کاراند

پس از جنگی که از جانب ضدانقلاب وابسته به امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق به شهر سندیج تحمیل شد، کارگران فعلی این شهر وضع اسفناکی پیدا کردند. این شهر کارگران که عمدتاً به کارهای ساختمانی مشغولند و اکثر روزمزدند، هیچگونه امکاناتی برای تامین آینده ندارند. آنها هر روز در میدان شهر به امید کار جمع می‌شدند و اغلب دست خالی و بدون اینکه موفق به یافتن کار گردند، به منزل خسود برمی‌گشتند.

چندی قبل ارگانهای انقلابی مستقر در شهر سندیج برای ایجاد کار قولهای مساعدی به کارگران دادند. با کوششهای مسئولین قسمتی از طرح سد سائیر به راه افتاد و کارگران سد قشلاق (شرکت سائیر) به سر کار خود بازگشتند. اما عده ای از کارگران را بدون ذکر دلیل تاکنون سر کار نبرده‌اند. با اینکه فضای شهر برای شروع ساختمان‌هایی که از طرف وزارت مسکن قرار بود برای مستضعفین شروع شود، مناسب است، هنوز اقدامی در این مورد صورت نگرفته است. شرکت مادم، که منازل سازمانی یادگان را می‌سازد، هنوز بطور فعال راه نیفتاده است.

کارگران بیکار سندیج خواستار راه اندازی این طرح‌ها، که موجب اشتغال کارگران بدون پس‌انداز و محتاج می‌شود، هستند و از مقامات مسئول تقاضا دارند که طرح‌های عمرانی را هر چه سریعتر بمورد اجرا گذارند تا نیروی فعال در این منطقه هز ضرر نبرد. آنها میخواهند که پس از پایان کار سد قشلاق، فکری بحال حدود هزار نفر کارگری پروژه - ای، که با پایان یافتن آن بیکار میشوند، بنمایند. در ضمن کارگران خواهان گسترش فعالیت جهاد سازندگی، که اکنون شروع به کار کرده، هستند.

### درد دل بابت کارگر مریوانی

من کارگری هستم اهل مریوان. دارای زن و هفت فرزند. کارگر فعلی هستم و کمی هم بناایی بلدم. قبلاً روزها کارهای مختلفی می‌کردم و شبها هم لحاف دوزی. وقتی جنگ اخیر به مریوان هم کشیده شد، دوهفته تمام در خانه خود زندانی شدیم و نتوانستیم بیرون بیاییم. بعد هم مانند اکثر مریوانیها آواره کوه و دشت شدیم. یک هفته در روستاهای اطراف مریوان بودیم، بعد هم وارد سندیج شدیم و در محله عباس آباد منزلتی گزین کردیم. تمام پس‌اندازم خرج شده و بیک ریال ندارم. با این خرج سرسام آور، از مردم میخواهم خود قضاوت کنند که چرا من در سن ۶۵ سالگی هیچگونه تاملی برای هفت فرزندم ندارم؛ از مقامات مسئول میخواهم بفرمایند.

بزرگ مالک، محصول دهقانان "حما مید" رابه آتش کشید

جندی قبل در روستای "حما مید" از توابع اهواز، بار دیگر آتش آفرینی یک فئودال منجر به نابودی محصول کشاورزان شد.

اهالی محامید برای حمل محصولات خویش (پس از درو) یک دستگاه تراکتور و تریلر کرایه می‌کنند. در این میان فئودال ده مدعی می‌شود که در ابتدا باید محصولات او حمل شود، اما با مقاومت سر سخت کشاورزان مواجه می‌شود. مالک روزگرم بدین اکتفا نکرده و برادر ۱۷ ساله خود را مورآتش زدن یکی از زمینها می‌کند. که در نتیجه آتش به خرمیهای دیگر سراسر می‌کند و ما همسایه‌های ده مریوانی رود.

کشاورزان برادر مالک را دستگیر کردند و تحویل باسگاه دادند. اما منتهای ستم باسگاه‌های رابه دلیل عدم وجود مدارک آزاد کرد. این همدار دیگری است برای مقامات مسئول و علاقمندان به انقلاب. تا قطعید کار مل بزرگ مالکی و فئودالیسم در جامعه روستایی، توطئه و تحریک در تمام سطوح ادامه خواهد داد. با بددیشی بود در اجرای قانون حتی یک لحظه درنگ نکرد و حتی یک نفر را مستثنی نکرد.

# جریان یک دادگاه

### دادگاه انقلاب شهرستان ساری، در جریان بازپرسی، یکی از کشاورزان مصممانه از حقوق دهقانان دفاع کرد.

### دادگاه انقلاب و پاسداران به حقوق دهقانان زحمتکش صحنه گذارند.

آقای بازپرس! آنها از این انقلاب زیان دیده‌اند و می‌خواهند به هر طریقی شده آنها را بشکنند. مطمئن باشید، اگر این انقلاب در اثر تحریک و توطئه آنان شکست بخورد، هم من و هم شما هر دو در یک سول زندانی خواهیم بود.

آقای بازپرس! اگر زندگی ده‌خانوار از روستای ما را جمع بکنید، به ارزش یک ماشین ب.ام.و. نیست، که زیر پای پسر همین فئودال هست.

آقای بازپرس! این شخص وقتی مرد ۹۰ میلیون تومان پول نقد داشت. ما حاضریم به شما کمک کنیم که تمام مایملک ایشان را صورت برداری کنید. بعبارتی انتظار داریم که تحقیقات لازم از طرف آن دادگاه محترم صورت گیرد، آنوقت هر رای که تشخیص دادند، ما در فرما بپند.

آقای بازپرس! وراثت ایشان در شکایت خویش نوشتند که فرامرز نصیری دهقانان را تحریک کرده و زمین و باغ ما را بجزر تصرف کردند و این جنبش را یک جنبش کمونیستی قلمداد کرده‌اند و ضمناً گفته‌اند که او توده‌ای است. من افتخار می‌کنم که یک توده‌ای هستم و به حزب خود می‌بالم. ولی اینجا مسئله من نیست. مسئله یک پارچه دهقانان است. اگر همه دهقانان را به دادگاه نیاوردیم، صرفاً بخاطر اینکه می‌باید دادگاه انقلاب بهره برداری کند.

س: با تمام این فداکاری‌های شما، فقط یک اشکال در کار شماست. این ایدئولوژی خودتان را عوض نکنید، خیلی خوب می‌شود.

ج: نتیجه وجود حزب و ایدئولوژی من این است که، شما تا این حد معتقد شده‌اید که فداکارم.

س: شما نوشتید که به قانون احترام می‌گذارید. پس چرا پشت پا به مصوبه شورای انقلاب زدید، که بزور زمین کسی را نباید تصرف کرد؟

ج: شورای انقلاب در تاریخ ۸/۱۹/۵۸ مصوبه‌ای در این مورد گذارند، در صورتی که طبق مدارک موجود در تاریخ ۸/۱۶/۵۸، یعنی سه روز قبل از اینکس قانون تصویب شد. اقدام به کشت گندم نموده‌ایم. بلاوه ما که زمین را نغزیده‌ایم. آنجا است. و هرگاه که هیئت ۷ نفره هر تصمیمی بگیرند، مورد قبول ما هم هست. ولی ما اعتماداً وظیفه ما داریم که هیچگاه هیئت محترم ۷ نفره به ضرر ما روستائیان تصمیمی نخواهند گرفت.

س: محنت گفته‌های شما مورد قبول ۷ نفر دیگر هم می‌باشد؟

ج: حرف همه ما یکی است. سپس آقای بازپرس به توبت از آنان سؤال کرد و همه، صحت گفته‌های او را تأیید کردند و همان با جزو بی‌روی رابعنوان ۷ نفر دیگر قبول کردند. در این موقع فئودال زاده وارد شد و گفت: "آقا چه تصمیمی گرفته‌اید؟" آقای بازپرس در جواب گفتند که بیرونده‌ایم. هیئت ۷ نفره می‌فرستیم بنا بر این خوشبختانه حکمی مبنی بر گرفتن زمین از دهقانان ما درنگ کردند و البته پاسداران هم طبق خصلت انقلابی خود طرفدار دهقانان هستند.

در مجموع دادگاه انقلاب شهرستان ساری، در این مرحله، از حقوق روستائیان دفاع کرد و بلاوه پاسداران نیز به حقوق آنان صحنه گذارند.

در این دادگاه نمای بقق کشاورزان منعکس گردید و نتیجه رضایت بخش دادگاه مطابق با روح انقلاب است. زیرا با رد دیگر از حقوق زحمتکش در مقابل حیل چپ‌رانگرا دفاع شد. رای این دادگاه و نظرسپاه پاسداران، یعنی این دنیا را انقلابی، به نفع دهقانان زحمتکش نشان داد که دادگاه‌های انقلاب و سپاه پاسداران، در صورتیکه فراموشی به انقلاب در آن جای گرفته باشد، در خدمت تداوم انقلاب است. با تقویت این نهاد دوگانه رکن انقلاب را می‌توان به انقلاب، نهادهای انقلابی را می‌تواند برای تحقق اهداف انقلاب تجهیز کرد.

دادگاه انقلاب شهرستان ساری، یکی از کشاورزان مصممانه از حقوق دهقانان دفاع کرد. دادگاه انقلاب و پاسداران به حقوق دهقانان زحمتکش صحنه گذارند.

اوایل آبان ماه سال قبل، روستائیان قریه زید علیا، واقع در حومه شهرستان ساری، حدود چهل هکتار را زمین غصب شده خود را از دست یک فئودال گرفتند و اقدام به کشت محصول گندم کردند. چندی پیش آنها گندم را جمع‌آوری و بطور مساوی بین روستائیان تقسیم کردند، که به هر نفره ۶۴ کیلوگندم رسید. در این وقت طبقاتی این روستا، حدود ۹۰ درصد از اهالی جزو دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین هستند.

چندی قبل فئودال این روستا به دادگاه انقلاب در شهرستان ساری، از دست روستائیان شکایت می‌کند و دادگاه ۸ نفر از روستائیان "منتیم را در روزهای ۵۹/۴/۸ و ۵۹/۴/۹ به دادگاه احضار می‌کند. در دومین روز تشکیل دادگاه، آقای فرامرز نصیری بشت تریبون قرار می‌گیرد و بین بازپرس و کشاورز مته‌مست سئوال و جواب‌های زیر درج می‌شود:

س: شما متهمید به تحریک دهقانان و تصرف عدوانی زمین و باغ آقای حاجی عباس نادری از خودتان دفاع کنید. ج: اهل قریه‌ایم بود که زمین، در اصل، متعلق به روستائیان قریه زید علیا بوده، که بیعت خوش خدمتی حاج عباس نادری به ما هیور و غیره، در کودتای ننگین ۲۸ مرداد، بزور از روستائیان گرفته شد و به عنوان یادگار به ما داده شد. از این مقدار زمین، وی حدود ۴۶ هکتار آنرا به شرکت ما، خوب فروخته و از این بابت، در زمان طاغوت، بیش از یک میلیون تومان پول دریافت داشته است.

پس از انقلاب ما در حقیقت زمین غصبی خویش را گرفته‌ایم و در آن گندم کاشته و پس از برداشت بطور عادلانه بین خودمان روستائیان تقسیم کرده‌ایم. چه کسانی ممکن است علیه این انقلاب تحریک کنند؟ مسلماً کسانی که منافعی آنان در خطر افتاده باشد. کشاورزان چه منافعی را از دست داده‌اند؟ جز زنجیر طاغوت چیزی را از دست نداده‌اند. بلاوه اگر قصد تحریک داشتیم، تمام روستائیان را به دادگاه می‌کشاندیم، همچنانکه فئودال مذکور تمام فک و فامیلش را آورده بود ما به قانون احترام می‌گذاریم و وقتی زمین خود را گرفتیم، جریان آنرا به پاسداران، دادگاه انقلاب، سپاه پاسداران، دفتر ما مخمینی، وزارت کشاورزی اطلاع دادیم و هر وقت قانون و هیئت ۷ نفره هر تصمیمی بگیرند، ما کاملاً مطیع هستیم. ما در مقابل قانون قرار نمی‌گیریم. ما زمین دزدیده شده خود را بیدار کرده‌ایم.

آقای بازپرس! اگر یادتان باشد، امام خمینی، رهبر ما، چند روز پیش از ملت قهرمان عذرخواهی می‌کرد و تکرار کرده بود که عذرت می‌خواهم، چون در این مدت برای شما کاری نکرده‌ایم. حالا شما باید کاری بکنید چشم و گوش دهقانان ستمدیده به سماعت و همه امروز در صحرای سوزان منتظر رای بحق و عادلانه شما هستند نه تنها قریه ما، بلکه تمام قریه اطراف منتظرند که شما چه تصمیمی می‌گیرید آیا به نفع فئودال رای می‌دهید یا به نفع روستائیان زحمتکش؟ البته ما به آنان با رها گفته‌ایم و می‌گوییم که شما یک نهاد انقلابی هستید و حتماً به نفع ما رای خواهید داد.

آقای بازپرس، من محرک نیستم، چون منافعی را از دست نداده‌ام. اما فئودال ما در این شرایط یک تاکسی می‌خورد و دست یک بیکار بی‌خبر، که با ننگی بلد باشد، می‌دهد و می‌کوبند مال تو، فقط کارکن و تبلیغ علیه انقلاب و خمینی و خلقی وغیره بکن.

### تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

### اخبار دهقانی

#### دار و دسته قاسملو حافظ منافع فئودالها هستند

روستائیان ده محمود گزک، از توابع سنقر کلیایی، در نامه‌ای که به یکی از مسئولان حزب توده ایران در سندیج نوشته‌اند، خواستار افشای کارهای فئودالی گروه قاسملو در دهات و روستاها، گرگر، خلیفه باپیر و محمود گزک و نیز در منطقه گسارود شدند. آنان مطالب زیر را در نامه خود عنوان کردند:

"مسئول تشکیلاتی که تحت نام حزب دمکرات در منطقه گسارود فعالیت می‌کند، کسی است بنام ملا علی شریعتی. این شخص که از دار و دسته قاسملو است، کارهای فئودالی سرکشی کرده مردم به هر بهانه، قاچاق اسلحه و باج گرفتن است. یک نمونه از کارهایش این است که به خانها و فئودال - زاده‌های فراری پناه داده و با دریافت پول از آنان مردم روستاها را سرکوب می‌کند. مثلاً در همین ده محمود گزک چندی پیش بین مردم محل دو خان بنا می‌های غلامرضا نصرتی و حسین خان نصرتی درگیری پیش آمد.

مردم خواهان استرداد زمین‌هایسی بودند که خانها چند سال پیش بزور اسلحه و با کمک زاندارم از آنان گرفته بودند، اما خانها مردم را تهدید بقتل کردند، و چون مردم به کمک پاسداران سنقر اخبار اسلحه خانها را کشف کردند و پتاه آنها را روی آب انداختند، خانها متواری شدند. آنها اخیراً نزد ملا علی شریعتی، یعنی سرپرست دار و دسته قاسملو در این منطقه رفتند و با دادن صد هزار تومان پول به او، از او قول سرکوب مردم محمود گزک را گرفتند.

طرف دوهفته گذشته مردم روستای محمود گزک شبانه دوبار از طرف گروه قاسملو مورد حمله مسلحانه قرار گرفته‌اند و تاکنون پنج نفر کشته داده‌اند. مردم منطقه خواستار قاطعیت دولت در برابر این عناصر خود فروخته هستند.

### دهقانان می‌نویسند:

این عین مطالب نامه‌ای است که به نام مردم رسیده است

"خدمت هیئت تحریریه روزنامه وزین نامه مردم ما تنی چند از اهالی قریه فشندک و شهرک طالقان، بدینوسیله از شما استمداد میطلبیم که به داد ما برسید، زیرا که ملای این ده بنام شیخ خصالله محمودی، که در دوره انقلاب یکماه تمام در خانه اقوامش مخفی بود، حالا همه کاره ده و مسجد و منبر شده و از همان جا شیکه باید مردم را بهم اتحاد دهند، شروع به توهین با فراد و جوانان دهو همه اهالی می‌کند. جوانان ده را یک مشت بیکاره کمونیست میخواند، اهالی را از همان روی منبر تهدید به شناسایی کردن بدلیل ضد انقلابی بودن میکنند. زنها را بر علیه هم می‌شورانند و بی حجاب و حجاب‌باز را بجان هم می‌اندازد، دهقانان را که از کار روزانه سخت که از تاریکی سحر تا تنگ غروب شروع میشود از خواب میاندازد، چرا که خودش خواب بعد از ظهر را کرده و تا ساعت ۱۲ و یک شب روی منبر حرفهای ضد خط امام میزند و مردم را از هم دور میکند و یا نسبت بهم مشکوک و دشمن تراشی میکند. بدستور او در قریه "شهرک" زنی را که با یکی از آشنایان سابقش پیس از مدتی دوری خوش و بش ساده میکرده، بجرم رفیق بازی بزیر شلاق فرستاده‌بان جوان که التماس میکرده زن را در ملا عام و در پیش روی او شلاق نزنند، بسا تمسخر جواب سر بالا داده و زن پس از شلاق خوردن و چند قدمی دور شدن، جا بجا تلف شده. آن جوان هم فعلاً در زندان بسر میبرد و مردم و شدت از این جریان چریان ناراضی و ناراحتند و از اینکه کسی بداد آنها نمیرسد حتی در جمهوری اسلامی هم با سلام و اسلامیست توهین میشود، خشمگین و شدت بر این ماجراها ایراد میگیرند. شما بجا جواب بدهید، ما با این بی‌دینیها مسلمان نمای ضد خط امام چه باید بکنیم.

با تقدیم احترام زیاد عده‌ای از اهالی خط امام قریه فشندک و شهرک ۱۲ مرداد (شهادت حضرت علی علیه السلام)



قیام سی ام تیر

در آغاز سال ۱۳۳۱ وضع مصدق «به استحکام سابق» نبود. ترکیب مجلس هفدهم به شدت به زیان او بود...

از میان قشربان اجتماعی که پایگاه مصدق بودند... به طرز عمده بازار و کسبه... صداهای مخالف شنیده می شد...

دولت ایران چند بار کتبا و شفاهاً از کشورهای متحد آمریکا درخواست وام و کمک مالی مستقیم کرده است که مشکلات ناشی از قطع عواید نفت را حل کند...

این اعلامیه وزارت خارجه آمریکا نقض صریح تعهداتی بود که ظاهراً مقامات رسمی آمریکا و از جمله شخص ترومن به مصدق داده بودند.

نقض این تعهد: اولاً، موقعیت مصدق را در میان وابستگان به آمریکا متزلزل تر می کرد؛

ثانیاً، محافل بورژوازی و اصناف را که به درآمد نفت و دلارهای آمریکایی چشم دوخته بودند دچار تردید می نمود.

مجلس هفدهم در اردیبهشت ماه رسماً افتتاح شد. اکثر حوزه های انتخاباتی و کیلی در مجلس نداشتند. جلسه مجلس از همان آغاز دچار تشنج بود...

تا مجلس اعتبار نامه ها را تصویب کرده و به طور کامل آماده کار شود...

مجلس اعتبار نامه ها را تصویب کرده و به طور کامل آماده کار شود موعده اجلاس دادگاه لاهه رسید که می بایست به شکایت انگلیس علیه ملی کردن نفت ایران رسیدگی کند...

جناب راست جبهه ملی دکتر معظمی را نامزد کرد و جناح چپ دکتر شایگان را، در نتیجه امامی نامزد دربار شانس بیشتری کسب کرد...

نخست این که موقعیت مصدق در مجلس حتی پیش از آن ضعیف است که در آغاز به نظر می رسید. تقسیم آشکار نمایندگان جبهه ملی به دو جناح که جناح راست آن مخالف مصدق بود...

روز ۱۴ تیرماه مجلس اعلام آمادگی کرد. همان روز نیز مصدق استعفا داد. برای تعیین نخست وزیر رأی تمایل گرفته شد...

مجلس و به ویژه سنا - که شاه آن را از عمال اجانب پر کرده بود - جبهه محکم مخالفت با مصدق موجود است. از ۳۶ سناتور فقط ۱۴ نفر به نخست وزیری مصدق اظهار تمایل کردند...

«من برای آن هست وزارت جنگ را خواستم که می دانستم کودتایی در شرف تکوین است. با تصدی وزارت جنگ نیروهای متمرکز در مرکز را متلاشی نمودم...»

- ۱. فواد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، صفحه ۲۵۷.
۲. خاطرات آیدن، ترجمه کاوه دهگان، تهران، نشر اندیشه، صفحه ۲۹۱.
۳. سخنان مصدق خطاب به فراکسیون نهضت ملی در مجلس، نقل از بانک مردم به جای بسوی آینده، ۲۸ اسفندماه ۱۳۳۱.

به نظر می رسد که شاه تقاضای اختیارات از جانب مصدق را فرصت مناسبی برای سرنگونی او یافت. برای مخالفت با اختیارات ممکن بود تعداد به مراتب بیشتری از نمایندگان مجلس را تجهیز کرد...

در این اعلامیه قوام با شدیدترین لحن مردم را تهدید می کرد و می نوشت:

«وای به حال کسانی که در اقدامات مصلحانه من اخلال نمایند... آشوب گران با شدیدترین عکس العمل من رو به رو خواهند شد...»

صدای قوام از جای گرمی می آمد. حتی نزدیکان او گمان می کردند که قوام با اختیارات کاملی آمده و قادر است مجلس را منحل کرده و تهدیدهای خود را عملی سازد...

«یابرو خیلی محکم حرف می زند» گفتن لایه حساب هایی کرده و بی خود حرف نمی زند... نیک پور گفت: «دربیز قوام السلطنه پیش والا حضرت اشرف بود...

ارستجانی به رابطه مستقیمی که میان قوام و سفارت خانه های آمریکا و انگلیس وجود داشته و او مراوده میان آنان را به چشم دیده اشاره می کند و می نویسد:

«خواستم با قوام صحبت کنم. گفتند الان مهذب پیش اوست. پرسیدم مهذب کیست. گفتند سابقاً کسول ایران در نیویورک بوده...»

او از طرف انگلیسی ها پیغام می آورد. گفتن این چه مطالبی است که پیغام آبرش این شخص است... گفت:

«نه! پیغام های مهم می آورد». پیغمدم آمد و پاکنی به دست قوام السلطنه داد. پاکت مارک والا حضرت اشرف پهلوی را داشت. پاکت را باز کرد...

به این ترتیب قوام السلطنه با این اطمینان روی کار آمد که چون حمایت مراکز قدرت داخلی و خارجی را دارد و با پایداری چندان از طرف مردم روبرو نخواهد شد...

اما تسلط براوضاع برخلاف تصور قوام کار ساده ای نبود و یا گذشت زمان و با شرکت هر چه وسیع تر مردم در مبارزه ضد دولتی این کار دشوار و دشوارتر می شد.

پایداری مردم آرام آغاز شد. در روزهای ۲۶ تا ۲۸ تیرماه در تهران و برخی شهرها بخشی از بازار و دکان ها تعطیل ولی پایداری اوجی نداشت. سران بازار می کوشیدند مسأله را در پیوند و همکاری با شاه حل کنند...

پایداری در مجلس به هیچ وجه قوی نبود. فراکسیون وطن (جبهه ملی) به زحمت توانست ۲۸ نماینده را با خود همراه کند در حالی که مجموع آرای جناح راست و چپ جبهه ملی دو هفته پیش از آن موقع انتخاب رئیس مجلس - به ۳۵ نفر می رسید...

اگر کار به همین منوال پیش می رفت کاملاً محتمل بود که قوام بر اوضاع مسلط شود. اما در همان دوسه روز اول نخست وزیری قوام خواندی چه در «بالا» و چه در «پایین» گذشت که حساب ها را به هم زد...

- ۴. خاطرات حسن ارستجانی، خوانندنیها، شماره ۸۷، ۳۰ تیرماه ۱۳۴۱.
۵. همان جا.
۶. همان جا.
۷. روزنامه کیهان، ۲۷ تیرماه ۱۳۳۱.

می شد. عصر ۲۸ تیرماه با ورود حزب توده ایران به صحنه نبرد، اوضاع در پایین عمیقاً تغییر کرد و چنان وضعی ایجاد شد که هیچ کس از قبل، پیش بینی و یا تصور آن را نکرده بود.

در صفوف حزب توده ایران، چنان که در صفحات پیش گفتیم برخورد دوگانه ای نسبت به حکومت مصدق وجود داشت. از یک سو عدم قاطعیت مصدق، بازی مداوم و پایان ناپذیر او با آمریکا، گذشت فراوانش به شاه، بی توجهی مطلقش به نیازهای اجتماعی توده زحمتکش، حزب را از مصدق دور می کرد...

مقاومت - بدان تن درداد ضربه سنگینی به نهضت ملی ایران می دانست. محافل خرابکار و جناح راست جبهه ملی ایران نیز که در لباس دوستی ظاهری با مصدق کودتای ضد مصدق را تدارک می دیدند...

با وجود همه این ها وقتی لحظه خطر و حساس رسید مشی سالد انقلابی در حزب توده ایران بر همه سوء تفاهمات فاتق آمد. حزب تصمیم به دفاع از مصدق و مقابله با قوام گرفت و نخستین تماس ها با حزب ایران و جناح مصدقی جبهه ملی از ۲۷ تیرماه برقرار شد و عصر ۲۸ تیر به نتیجه رسید.

«از کلیه احزاب، سازمان ها، جمعیت ها و شخصیت های ضد استعمار، از دکتر مصدق، آیت الله کاشانی، جبهه ملی و سازمان های وابسته به آن برای تشکیل یک جبهه واحد ضد استعمار»

دعوت به عمل آورد. در اتخاذ این تصمیم درست، توده مردم زحمتکش و تنه حزب به رهبری کمک فراوان کرد. ششم انقلابی توده ها به آنان هشدار می داد که علی رغم همه کاستی ها که مصدق دارد، درقبال مزدوران شناخته شده ای چون قوام باید از او حمایت کرد...

«با نهایت آرامش و متانت در این جنبش مقدس ملی شرکت فرمایند»

به روش های قاطع و انقلابی روی می آوردند. تعطیل بازارها و سمع می یافت و با تظاهرات توده ای در می آمیخت. این روح انقلابی در تصمیم رهبری حزب ما منعکس شد.

آیت الله کاشانی که قبل از تیرماه از مصدق فاصله گرفته بود و جناح راست جبهه ملی می کوشید او را به سوی خود جلب کند در مورد نخست وزیری قوام موضع درستی اتخاذ کرد و علیه او برخاست. خود قوام نیز به این امر کمک کرد. در اعلامیه ای که قوام صادر کرد حمله های آشکاری به شخص کاشانی و جناح او وجود داشت.

«در محافل مذهبی از ربا و سالیس مترجم... ارتجاع سیاه لطمه شدیدی به آزادی وارد ساخته و زحمات بانان مشروطیت را... به هدر داده است...»

آیت الله کاشانی متقابلاً، با قاطعیت بیشتری به میدان آمد و در پیامی خطاب به سربازان و افسران نوشت:

«امروز جنگ جلد بین دوصف حق و باطل است. اعمال احمد قوام که تنها برای جاه طلبی و بر گشت انگلیسی ها و استعمار است نباید به دست شما انجام و شما را در مقابل خون ها و حق کسی ها منگول کند...»

«برعوم برادران مسلمان لازم است که در راه این جهاد اکبر کمر همت محکم بر بست و... ثابت کنند... که ملت ایران به هیچ یک از بیگانگان اجازه نخواهند داد که به دست مزدوران آزمایش شده استقلال آن ها را پایمال نمایند...»

در پشت پرده کوشش هایی از طرف محافل ارتجاعی و خیانت پیشه انجام گرفت تا شاید قوام و کاشانی را به هم نزدیک کنند اما نتیجه ای حاصل نشد. آیت الله کاشانی به جای پذیرش سازش با قوام دعوت حزب توده ایران را برای وحدت پذیرفت و طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفت:

«امروز روزی است که این ملت از مرد وزن و هر جمعیت باید همدست و همدستان باشند. در مبارزه با اجنبی باید همه یک رنگ باشیم... امروز ملت ایران تمام افراد از زن و مرد و بزرگ و کوچک در تمام احزاب در این مقصد مقدس، هم مقصد هستند. هر جمعیتی در این باب قیام کند ما با صمیم قلب می پذیریم...»

حزب ایران نیز اتحاد با حزب توده ایران را در در چارچوب معینی پذیرفت. در چنین وضعی بود که مقاومت در برابر حکومت قوام به یک نبرد وسیع توده ای بدل شد. ابتدا کارگران نفت آبادان به میدان آمدند. روز ۲۹ تیر ماه، زمانی که موضع قاطع حزب توده ایران اعلام شد و اعضا و هواداران حزب همه نیروی خود را به کار انداختند، در آبادان تظاهرات وسیعی به وقوع پیوست.

پلیس و ارتش به مقابله برخاستند. چندین نفر کشته و زخمی شدند. اما مقاومت مردم نشکست بلکه برعکس تشدید شد. کارگران تهران نیز زیر رهبری حزب توده ایران به وسعت وارد نبرد شدند. زیر رهبری جبهه ملی فقط بازار و دکان ها تعطیل می کردند. با پیوستن حزب زحمتکشان بقای

۸. روزنامه کیهان، ۲۹ تیرماه ۱۳۳۱.
۹. روزنامه کیهان، ۲۸ تیرماه ۱۳۳۱.
۱۰. اعلامیه قوام، روزنامه کیهان، ۲۶ تیرماه ۱۳۳۱.
۱۱. روزنامه کیهان، ۲۸ تیرماه ۱۳۳۱.
۱۲. همان جا.
۱۳. روزنامه کیهان، ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱.

- ۱. فواد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، صفحه ۲۵۷.
۲. خاطرات آیدن، ترجمه کاوه دهگان، تهران، نشر اندیشه، صفحه ۲۹۱.
۳. سخنان مصدق خطاب به فراکسیون نهضت ملی در مجلس، نقل از بانک مردم به جای بسوی آینده، ۲۸ اسفندماه ۱۳۳۱.

ف. م. جوانشیر



نظری به تاریخ

بار دیگر در آستانه فاجعه بزرگی در تاریخ که در راه استقلال و آزادی عبرت آموخت. سازمانهای جاسوس سازمان داد، امیربال رژیم دیکتاتوری محمد دشمن سوگند خورده اسلامی ایران، که ستمدیده و زحمتکش ما به این هدف سبطنی ایران - از جمله آن نیازمندند. این بحر سرداد، و ادامه ستم چونگی بوجود آمدن ویژگی های جنگ روانی برای روس ساء معاصر ایران، که پیش ملی شدن نفت ایران کتاب "تجره" ۲۸ یافت.

ناصرینکه خ بالرش را به همه کس به مناسبت سالگرد کوا بیانگر نمونه های بی آمریکا، برای سرکوب حکومت ملی و قانونی کودتای ۲۸ مرداد ۲ رضاشهرت، نقل می عرض از این کا بحای خود هم و لا برای مطالبه با بوط انقلاب و جمهوری ا-

نخستین نوبت و دربار پهلوی برای ساقط کردن حکومت ۲۶ تیر ۱۳۳۱ انجا مراد را از نفل" ۵

حزب توده ایران اعتصاب گرفت. ترکیب طبقاتی نسبت شعارهای مبارزه و اوج مقاومت رو اعلام شده بود. در این راه و سازمانده اصلی نبرد آقا، اولاً، با تعدیل جوان مبارزان را به میدان آو ثانیاً، چنان رو فعالیت های هواداران مه نداشت.

ثالثاً، از لحاظ داشتند و می توانستند به ورود حزب توده ایران به یافت. اعضا و هواداران عملی وسیعی را در در پیوستن واحد تانک سره توده ای در سی ام تیر ۳۱ سال پیش از آن رفته و با بود. پرمان از تانک بیر پیوست و با این اقدام درباریان را نسبت به وا عقب نشینی واداشت.

خبرهایی که با ایران به نبرد آشکار ضد مصدق جا گرفته بودند سازش هرچه سریع تر حزب زحمتکشان بقای

به ملاقات قوام فرستاد. جاسوس آمریکا تشکیل

«تنها ساز مسلم و م که کتاب



مدن نفت ایران

رسمی روزی که یادآور...

کودنای ۲۸ مرداد را...

بین دوره‌های تاریخ...

ویکتوری و انگلیسی...

مؤسسان تولیدی را فرا...

ش می‌دیدند که در...

هی انقلابی آشنایی...

از ورود حزب توده...

که صریحاً و با دلایل...

آنان اجازه دهیم با ما اختلاف کنند. ۱۵

«حزب زحمتکش» که در واقع شبه‌ای از سازمان جاسوسی...

ساعت ۵ بعد از ظهر سی ام تیر خبر استعفا قوام از رادیو خوانده شد...

نتایج قیام سی ام تیر

نخستین نتیجه مستقیم قیام سی ام تیر بازگشت مصدق به نخست...

دومین نتیجه بسیار مهم سی ام تیر این بود که ضرورت و امکان اتحاد...

«به شما بشارت می‌دهیم که دعوت به تشکیل جبهه واحد ضد...

شعارهای ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی که در سی ام تیر از...

گیری شاید در نظر اول عجیب بنماید زیرا سی ام تیر ظاهراً موجب آن شد که...

از میان احزاب و سازمان‌های سیاسی ملی و یا مدعی ملی بودن،...

«بعد از جریانات ۳۰ تیر ۱۳۳۱ کمیته مرکزی حزب توده ملی یکی از...

«بنا به ابتکار دکتر کیانوری، کمیته مرکزی حزب توده دست به...

«آنچه من درباره تصمیمات هیأت اجرائیه در زمینه لزوم تدارک مقاومت...

جبهه نیرومندی از همه نیروهای ضد امپریالیستی و در درجه اول از...

نظر حزب ما این بود که تنها در صورت به وجود آمدن چنین...

نیروهای توده‌ای و سایر نیروهای راستین ضد امپریالیستی و ضد...

از آنجا که تهیه و تدارک سلاح از دوره بیشتر میسر نبود یا می...

با توجه به این مشکلات تصمیم تدارک سلاح خیلی به کندی و...

است که گویا حزب در ۲۸ مرداد ۱۲ هزار نارنجک ساخت خود داشته...

در این باره که برای یک مدتی مخفی تهیه پنهانی سلاح برای دفاع...

از سی ام تیر تا کودتای نافرجام شهریور- مهر ۱۳۳۱

پس از سی ام تیر ماه نفرت مصدق از امپریالیسم انگلیس بازم بیشتر...

در مناسبات با امپریالیسم آمریکا نیز مصدق پس از سی ام تیرماه...

اقدامات ضد آمریکایی مصدق بسیار با احتیاط و محدود بود. مصدق...

کوشش‌های امثال جنوز برای انحصارات امپریالیستی نفت جنبه...

فرعی و غیر جدی داشت. کارتل نفت می‌خواست مسأله را به سود خود و در...

مصدق را درک کرد. او طی اطلاعیه ای که برای...

«پیام نشان می‌دهد که اولیای امر انگلستان در لافان عبارات تازه عیناً...

مصدق می‌کوشید نام آمریکا را نیاورد. اما از این واقعیت که دولت...

باری اسلحه‌ای که مصدق به خیال خود علیه انگلستان به کار انداخته...

۱۸. سیرکونیم در ایران، از انتشارات فرمانداری نظامی تهران، چاپ...

۲۰. دژ به جای بسوی آینه، ۱۷ مردادماه ۱۳۳۱.



مصدق گرفته بودند و درست در زمانی که ترومن و چرچیل پیام می فرستادند...

دیلی تلگراف می نوشت: «هرگاه یک دولت توده ای زمام امور ایران را به دست گیرد دولت شوروی به آب های خلیج فارس دست خواهد یافت...

فرانس پرس از واشنگتن خبر می داد: «به عقیده وزارت خارجه آمریکا تا آخر سال جاری میلادی (۱۹۵۲) کمونیست ها ضرب شستی برای به دست گرفتن قدرت در ایران نشان خواهند داد...

روزنامه های آن روز کشورهای سرمایه داری را که نگاه کنیم پر از این جنجال ضد کمونیستی است. مطبوعات ایران نیز به وسعت آن را بازگو می کنند.

در پشت سر این جنجال ضد کمونیستی در واقع خود محافل امپریالیستی بودند که می خواستند ضرب شصت نشان داده و برای به دست گرفتن قدرت کودتا کنند.

می توان گفت که تدارک کودتا از همان عصر سی ام تیر ۱۳۳۱ آغاز شد. از بعد از ظهر سی ام تیر، زمانی که حضور قاطع حزب توده ایران مردم را به سوی قیام برد و شعارهای حزب همه جا رسوخ کرد...

«در غروب سی ام تیر که کمونیست ها و مؤتلفین آن ها می خواستند دامنه جریان را به تغییر رژیم بکشانند من و دوستانم ترمزی بودیم که آنان را به جای خود نشانیدیم...»

از همان غروب سی ام تیر که بقایای آن یاد می کند - مأمورین به اصطلاح انتظامی تا جایی که می توانستند به حزب توده ایران می تاخستند. فردای سی ام تیر دست مأمورین پلیس و ارتش در مضرور کردن توده ای ها...

«عده ای از عناصر و عمال اجانب [!!!] ... به انجام مقاصد شومی اشتغال ورزیده اند. منویات آن ها فقط وطن فروشی است... عملیات خانانه فقط منظور خائنین است... به مقصدات ملی توین می کنند... در آینده به احدی اجازه تحقیر و اهانت داده نخواهد شد...»

مصدق در روزهای آخر تیرماه برای جلب اطمینان خاطر شاه پشت قرآن را اعضا کرده و برای او فرستاده بود.

«دشمن قرآن باشم اگر بخواهم بر خلاف قانون اساسی عمل کنم. و همچنین اگر قانون اساسی را نقض کنم و رژیم مملکت را تغییر دهند من ریاست جمهور را قبول نمی کنم.»

مصدق با چنین تمهیدی که داشت لازم می دید دست پلیس را در سرکوب مخالفین شاه باز گذارد تا مبدا به اقدام خلاف قانون اساسی منتهم شود. اکثریت قاطع اطرافیان او، رهبران جبهه ملی نیز سلطنت طلب بودند و از این که شمار ضد شاه از طرف حزب توده ایران به میان مردم برده می شود نگران می شدند.

این تشنج در آغاز شهر یورماه ۳۱ بسیار تشدید شد. همزمان با پیام اولتیماتوم وار ترومن و چرچیل به مصدق که روز پنجم شهر یورماه او داده شد، محافل خرابکار و توطئه گر دست به تحریر یک عتلی زدند. چهل شهدای سی ام تیر که می پایست روز جمعه هفتم شهر یور یور برگزار شود دستاویزی در دست آن ها شد. قرار بود در این روز مراسم مشترکی از جانب توده ای ها و مصدقی ها در این باب یور برگزار شود.

۲۲. روزنامه گبهان، ۱۶ مردادماه ۱۳۳۱. ۲۳. همان جا. ۲۴. روزنامه گبهان، ۵ مهرماه ۱۳۳۱. ۲۵. مظفر بقایی، دفع درد نگاه، روزنامه اطلاعات، ۹ دی ماه ۱۳۴۰. ۲۶. روزنامه گبهان، چهارم مردادماه ۱۳۳۱. ۲۷. پیام رادیویی مصدق، ۱۶ فروردین ماه ۱۳۳۲، روزنامه اطلاعات، همان روز.

تدارک می شد فراهم نمایند. چهارشنبه پنجم شهر یور - چند ساعت پس از تسلیم پیام ترومن و چرچیل به مصدق، مظفر بقایی لیدر حزب زحمتکشان پیامی منتشر کرد و اعلام داشت که به بهای خونریزی از شرکت توده ای ها در این مراسم جلوگیری خواهد کرد.

او در این پیام خطاب به مردم ومبارزان! می نوشت: «شما بروید مقاومت کنید! بیگانه پرستان [!!!] را ولویا ریختن خون باشد از این مقبره مقدس جانبازان راه آزادی واستقلال برانید.»

بقایی بعدها در دادگاه چگونگی تدارک این خونریزی را تا حدودی توضیح داد و روشن کرد که طرف خطاب او که برنودن و خون بریزند چه کسانی بوده اند. مظفر بقایی می گوید: «خبر شدم که توافق محرمانه ای شده است که توده ای ها هم به طور رسمی در مراسم چهل شهدای سی ام تیر شرکت کنند. این مطلب برای من غیر قابل تحمل بود.

این اصرار عتلی داشت و آن این که از همان شب افراد حزب زحمتکشان را فرستاد از سازمان های حزب در ورامین و کرج و اطراف عده ای را با جوب و چماق آوردند و بردند این بابویه و گفتیم به مسئولیت خودم، هر توده ای خواست نباید اینجا فلتمش را خرد کند... فرستادگان مصدق آمدند که این کار تو ایجاد جنجال می کند و الا آن یک محیط آرام لازم دارم.

علت این که بقایی با چنین اعتمادی دستور هیأت وزیران را هم زیر پا می گذاشت و جرأت می کرد روز روشن چماقدار استخدام کند و به جان مردم بیاندازد، حوادث پشت پرده بود که در آن وظیفه ای هم به عهده بقایی گذاشته شده بود. درست در همان هفتم شهر یور ماه «به سوی آینده» خبر داد که علی رضا پهلوی و گروهی از افسران خانن کودتایی را تدارک می کنند.

بقایی در این کودتا دست داشت و می خواست زمینه آن را فراهم کند. روز چهل شهدای سی ام تیر حزب توده ایران درایت و انعطاف فراوانی از خود نشان داد. از بختن به این بابویه خودداری کرد و میتینگ در میدان فوز به برگزار کرد. در اعلامیه ای که از طرف «جمعیت ملی مبارزه با استعمار» منتشر شده بود تصریح می شد:

«مبارزان حقیقی ضد استعمار هرگز نمی خواهند که امکان اخلاص گری به بقایی ها واربابان آن ها بدهند.»

«جمعیت ملی مبارزه با استعمار» باز و بازهم همه نیروهای صدیق ضد امپریالیست را به اتحاد دعوت می کرد و توضیح می داد:

«مقصود به هیچ وجه این نیست که جمعیت ها واحزاب متشکل در جبهه واحد ملی خط مشی سیاسی و هدف مبارزه خود را تغییر دهند. پیشنهاد همکاری ما فقط روی مواز معنی است که جمعیت پیشنهاد کرده است.»

مبارزید پیشنهاد «جمعیت ملی مبارزه با استعمار» عبارت بود از ملی کردن واقعی نفت، تأمین آزادی های دموکراتیک، بهبود وضع مردم، تذکرات مکرر حزب توده ایران در باره تدارک کودتا و ضرورت اتحاد نیروهای ملی برای رویارویی با آن متأسفانه آنچنان که باید مورد توجه واقع نمی شد.

۱۶ شهر یورماه ۱۳۳۱ کمیته مرکزی حزب توده ایران لازم دید که این مسایل مهم را طی یک نامه رسمی سرگشاده به اطلاع مصدق برساند و او را در برابر مسئولیت های خود قرار دهد. در این نامه سرگشاده پس از توضیح هدف های عمومی امپریالیست ها و اعمال کودتاجی آنان در کشورهای مثل ایران گفته می شود که از مدت ها پیش تلاش برای برکناری دولت مصدق وجود دارد. کودتاهای مکرر تدارک می شود ولی مصدق توجه کافی نمی کند. کمیته مرکزی حزب توده ایران متذکر می شود که ما در بهمن ماه ۱۳۳۰ همدار دادیم. توجه نشد، در نتیجه شبه کودتای قوام پیش آمد، امروز هم خبر می دهیم، هشدار می دهیم، اگر توجه نشود نهضت ملی در خطر خواهد بود.

در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران سپس خطاب به مصدق گفته می شود:

«امپریالیست ها به منظور مشرب کردن انذهان در اطراف «کودتای چپ» سخن پردازی می کنند. امپریالیست ها از هم اکنون به دست مستشاران نظامی نقشه مفصلی درباره سرکوب نمایش ها، تظاهرات توده ای از راه برادر کنی طرح کرده و برای اجرا آماده ساخته اند...»

۲۸. شاهد، ششم شهریورماه ۱۳۳۱. (می بینید! بقایای ها - در واقع فقط بقایای ها مبارزان صدیق انقلابی را درست در زمانی که خودشان به دستور امپریالیست ها در کار تدارک توطئه اند، بیگانه پرست می نامند!) ۲۹. دفاعیات دکتر بقایی، روزنامه اطلاعات، ۲ دی ماه ۱۳۴۰. ۳۰. رهبر مردم به جای بسوی آینده، ۲ شهریورماه ۱۳۳۱. (رهبر مردم دهمین روزنامه ای بود که پس از سی ام تیر به جای بسوی آینده منتشر و بلافاصله از طرف فرمانداری نظامی توقیف می شدند. اما شاهد با وجود خیانت آشکار مسئولین مظفر بقایی تا روز کودتای ۲۸ مرداد با خیال راحت منتشر می شد و کسی مزاحمش نبود.) ۳۱. همان جا. ۳۲. آخرین علاج به جای بسوی آینده، ۱۳ شهریورماه ۱۳۳۱.

ف. م. جوانش



نظری به تاریخ

دولت انگلیس را قطع ک واحدهای به تصویب مجله مجلس شورا دوسال تعیین دوسال طول کشیده بود پای مصدق در چند ضریب مت کانون های کودتا را کوبیا اقدامات فا نزدیک ترین باران مصد کاهل قرار گرفت.

دولت انگلیس را قطع ک واحدهای به تصویب مجله مجلس شورا دوسال تعیین دوسال طول کشیده بود پای مصدق در چند ضریب مت کانون های کودتا را کوبیا اقدامات فا نزدیک ترین باران مصد کاهل قرار گرفت.

«مردم را آزاد بگذارید تا بساط کودتا و کودتاجیان را در هم بزنند... برادران نظامی! ما می توایم به اتفاق هم ... کاخ قدرت پوشالی کودتاجیان را در هم بریزیم. شما می توایید در کنار فرزندان ملت دشمنان ایران را سرکوب کنید.»

تشکیل جبهه متحد ضد استعمار جواب دندان شکن به امپریالیست های انگلیسی و آمریکایی است... بهترین پاسخ به توطئه گران تشکیل جبهه متحد ضد استعمار است.»

ثانیاً، حزب توده ایران توجه داشت که یک حزب پنهانی، حزبی که از همه طرف مورد هجوم است و کودتاجیان برای موقبت در توطئه های خویش آن را منتهم به تدارک کودتا !! می کنند، نمی تواند در زیر حکومت مصدق - که مورد حمایت است - مخفیانه مسلح شود. مادر صفحات پیش تصمیمات حزب را در این باره و دشواری های اجرای آن را یاد کردیم.

بنابراین حزب توده ایران در نامه به مصدق تأکید کرد که اگر کودتایی موفق شود مسئولیت آن مستقیماً متوجه شماست!! چرا که اقدامی برای سرکوب آن نکردید.

با در نظر گرفتن مجموعه این مطالب و در رابطه متقابل آن هاست که حزب توده ایران از بدل کردن کودتا به جنگ برضد آن این نکته را هم به طور مداوم و هم زمان حرفی منطقی و درست است. دعوت است، هشدار است، که اگر مورد توجه قرار می گرفت ۲۸ مردادی پیش نمی آمد.

ولی متأسفانه این هشدارها مورد توجه قرار نمی گرفت. در شهر یورماه ۱۳۳۱ هم اطرافیان مصدق و رهبران جبهه ملی هشدار حزب توده ایران را به هیچ گرفتند. به جای توجه به هشدار آزاد گذاشتن حزب. برای دفاع از نهضت بر فشار خود افزودند. جناح راست جبهه ملی که در کودتا شرکت داشت و یا از آن بدش نمی آمد به هشدار حزب توجه نکرد، هیچ، که ظلمت کار هم شد و حزب ما را به تحریر یک افکار مردم منتهم کرد. با این حال هشدار حزب به هر صورت اثر بخش بود. مصدق هوشیارتر شد. و به خبرهایی که از ارتش می رسید توجه بیشتری کرد. این خبرها حاکی از این بود که لشکر گارد شاهنشاهی نیروی بزرگی در اطراف تهران متمرکز کرده و زیر پوشش «مانور نظامی» قصد حمله به تهران دارد. در روزهای آخر شهر یور مصدق دستور انحلال لشکر گارد و تقسیم آن به سه تیپ را صادر کرد و موقتاً نیروی متمرکز کودتا را پراکند. اما توطئه ادامه یافت تا این که سرانجام ۲۱ مهرماه ۱۳۳۱ وجود توطئه کودتا رسماً اعلام شد. سرلشکر حجازی آجودان مخصوص شاه و برادران رشیدیان از تجار بازار که با سفارت انگلیس رابطه داشتند دستگیر شدند. اعلام شد که ۷ ستابور (از جمله سرلشگر زاهدی)، ۴ نماینده مجلس (از جمله دکتر بقایی)، ۵ افسر ارشد و چندتن از اعضای خانواده سلطنتی در توطئه کودتا شرکت داشته اند.

مصدق در آغاز با این کودتا به طور قاطع مقابله کرد. بنا به اصرار مصدق اشرف پهلوی و هلاکت مادر از کشور بیرون رفته به آمریکا پناه بردند. وسایل تبعید شاهپور علی رضا و چندتن دیگر از اعضای خاندان سلطنتی نیز فراهم شد. مصدق در دشمنی با امپریالیسم انگلیس گام بزرگ دیگری به جلو برداشت و در ۳۰ مهرماه ۱۳۳۱ طی یادداشتی رابطه سیاسی ایران با...

۳۳. رزم آوران، به جای بسوی آینده، ۱۶ شهریورماه ۱۳۳۱. - تکیه از ما است. ۳۴. پیوند ما به جای بسوی آینده، ۲۱ شهریورماه ۱۳۳۱. - تکیه از ما است. ( تا این زمان نزدیک ۲۰ روزنامه به جای بسوی آینده توقیف شده بود. تنها به این دلیل که کودتا را افشا می کرد و سربازان را به دفاع از منافع ملی فرا می خواند.) ۳۵. رزم آوران، ۱۶ شهریورماه ۱۳۳۱. ۳۶. سرانجام به جای بسوی آینده، ۱۷ شهریورماه ۱۳۳۱. ۳۷. همان جا. ۳۸. تقریباً همه شماره های بسوی آینده در شهریورماه ۱۳۳۱.





# گامهای بزرگ الجزایر در راه چیرگی بر میراث استعمار

چند هفته پیش «جبهه آزادیبخش ملی» الجزایر در کنگره‌ای فوق‌العاده کارنامه کنونی خود را، بویژه در زمینه اقتصادی، بررسی کرد و سمت‌گیری سوسیالیستی خود را در آینده مورد مذاکره قرار داد.

الجزایر می‌تواند بخود بخود به‌دوره‌ای بزرگ‌تر از استعمارگرانش، گامهای بزرگ به‌پیش برداشته و صنعتی مدرن را در آن کشور پایه‌ریزی کرده است. تنها در سالهای ۱۳۴۸-۵۶، ۳۳۰ واحد صنعتی در الجزایر تأسیس یافت، که اینک تولیدشان به پنجاه درصد ظرفیت پیش‌بینی شده رسیده است.

صنعت الجزایر، که نود درصد آن زیر نظر دولت است، در حدود دویستم فرآورده‌های اجتماعی آن کشور را تأمین میکند. در کنگره تأکید شد، که یکی از راههای آزرین بردن بازمانده وابستگی‌های اقتصادی الجزایر نسبت به کشورهای امپریالیستی، افزایش هرچه بیشتر کارآیی صنعتی است.

از جمله برنامه‌های اقتصادی آینده، که در کنگره نامبرده مورد بحث قرار گرفت، میتوان از «تبادل منطقه‌ای»، آفرینش کانونهای جدید ترکز صنعتی و بهبود زیرساختار، بویژه توسعه شبکه راه آهن، نام برد.

در اقتصاد الجزایر، استخراج و پالایش نفت نقش کلیدی بازی میکند. در این کشور در سال ۱۳۵۷، ۶۱ میلیون تن نفت و در سال ۱۳۵۷، ۱۴

میلیارد متر مکعب، گاز استخراج شد. از آنجا که بموجب برآورد کارشناسان، منابع نفتی الجزایر، در صورت ادامه تولید در سطح کنونی، سی سال دیگر پایان خواهد رسید، الجزایر مجبور است که از درآمدهای نفتی برای پایه‌ریزی و گسترش رشته‌های صنعتی دیگر استفاده جوید.

کشاورزی یکی از شاخه‌های اقتصاد ملی الجزایر است، که از توجه خاص برخوردار می‌گردد. بگفته سعیدی، وزیر اقتصاد الجزایر، تا کنون میان ۱۰۰ هزار هکتار و کارگر روستایی زمین تقسیم شده است. فزون بر ۶ هزار تعاونی کشاورزی، ۳۰۰ ده انقلاب کشاورزی، پدید آمده است، که همگی دارای مدرسه، درمانگاه و کانون فرهنگی هستند. لیکن، معقیده «جبهه آزادیبخش ملی» این واقعیت که کشاورزی الجزایر هنوز قادر به تأمین نیازهای داخلی مردم آن کشور نیست، مسئله‌ایست بسجدی، چه هنوز در حدود یک سوم این نیازمندیها از طریق واردات تأمین میشود.

از اینرو، امسال دولت اعتبارات کشاورزی را ۳۰ درصد افزایش داده است. علاوه بر این، الجزایری‌ها قصد دارند، که در کونیهای اجتماعی را، که با فرمان ۱۳۵۰ درباره انقلاب کشاورزی آغاز شد، پیگیرانه ادامه دهند. در این زمینه، لازمست که از روی آوردن نیروی کار از روستاها به شهرها جلوگیری کرد. شرایط آموزش جوانان روستایی را فراهم آورد و به بهبود شرایط اجتماعی روستا کوشش ورزید.

در الجزایر نیز مسئله مسکن، هنوز حل نشده است. البته باید بخاطر داشت، که جمعیت الجزایر (۱۸ میلیون نفر) سالانه ۳۲ درصد افزایش می‌یابد و بیست سال دیگر به ۳۶ میلیون نفر خواهد رسید. قرار است که سالانه ۱۰۰ هزار خانه در الجزایر ساخته شود.

الجزایر در گستره آموزش نیز به موفقیت‌های بزرگی دست یافته است. هجده سال پیش، در نخستین سال استقلال، کمتر از ۱۰ درصد کودکان

شش ساله بمدرسه میرفتند. اینک ۹۰ درصد کودکان از آموزش ابتدایی و متوسطه برخوردار میشوند. طبق ماده ۶ قانون اساسی الجزایر، خدمات پزشکی در آن کشور رایگان است. اکنون هر ۲۶۵۰ شهروند الجزایر یک پزشک در اختیار دارند. «مستور ملی» الجزایر کاهش این شماره را به ۲۰۰۰ پیش‌بینی میکند.

دبیر کل «جبهه آزادیبخش ملی» و رئیس جمهوری الجزایر، شاذلی بن‌جدید، چندی پیش اعلام داشت: «نخستین مرحله دگرگونسازی را به نوسازی اقتصاد ملی بمنابهای پایه‌ای برای عمران کشور اختصاص دادیم؛ اینک لازمست که به افزایش کارآیی آن بپردازیم. بدین منظور، قرار است که بیاری برنامه‌ریزی همه‌جانبه و علمی تولید و بارآوری در چارچوب برنامه پنجساله آینده‌آزیداد یابد، شرایط زندگی زحمتکشانبه‌ببود پذیرد و بیکاری محدود شود.

کنگره فوق‌العاده «جبهه آزادیبخش ملی» تغییراتی چند را در آئین‌نامه این سازمان تصویب کرد. برای نمونه، بوروی سیاسی «جبهه» از این پس، بجای ۱۲ نفر، تنها هفت تا یازده نفر را دربر خواهد گرفت، که از سوی دبیر کل «جبهه آزادیبخش ملی» و رئیس جمهوری پیشنهاد خواهند شد و به تأیید کمیته مرکزی خواهند رسید.

کنگره سمتگیری خویش را تحکیم دمکراسی، پرورش کادرهای انقلابی و تقویت «جبهه آزادیبخش ملی»، بمنابهای پیشاهنگ خلق الجزایر اعلام کرد.

## سیاست ریاکارانه عربستان سعودی در برابر «مسئله فلسطین» نمایانگر وابستگی آن به امپریالیسم آمریکاست

آیت‌الله خمینی در سخنرانی‌های اخیر خود بارها به نقش «خانانه و ضد خلقی رژیم عربستان سعودی اشاره کرده‌اند و وابستگی آنرا به امپریالیسم آمریکا یادآور شده‌اند. ما برای توضیح این نقش و بتوان مثال، در زیر برخی از جنبه‌های سیاست دولت عربستان سعودی را در قبال «مسئله فلسطین» باختصار بررسی میکنیم:

شاید هیچ جنبه سیاست خارجی عربستان سعودی موزیانه‌تر و ریاکارانه‌تر از سیاست این رژیم در برابر مسئله خاورمیانه و بویژه مسئله فلسطین نباشد. مقامات عربستان سعودی از یکسو خویش را مدافع خلق‌های مبارز عرب و رژیم‌های فلسطین معرفی میکنند و از سوی دیگر در عمل عبودیت خویش را از اربابان آمریکایی‌شان بی‌شور میرسانند. ائتلاف نظامی ایالات متحده آمریکا - اسرائیل - مصر که زیر پوشش مذاکرات صلح اسرائیل - مصر اعمال میشود، رسواگر ادعاهای فریبکارانه مقامات سعودی است، که میکوشیدند تا از طریق باسطح مناسب و ویژه خود با آمریکا موضع آن کشور را درباره فلسطینی‌ها در جهت مثبتی تغییر دهند.

عربستان سعودی پس از عقد قرارداد مصر و اسرائیل، در بهار سال ۱۳۵۸، برای آنکه در کشورهای عربی منفرد نشود، بعنوان «اترانش»، به قطع روابط سیاسی و دیپلماتیک خود با مصر میادرت ورزید. اما راقمیت آنستکه این کشور درخفا کمک اقتصادی خود را به رژیم ویرانگر سادات ادامه داد و از این راه مذاکرات «کسب‌دیوید» را، که خود در ظاهر به «هم‌آوایی» با «جبهه پایداری عرب»، محکوم ساخته بود، تشویق کرد.

عربستان سعودی در سیاست خود نسبت به فلسطین نمی‌تواند انزوی کامل خود را چه در میان کشورهای عرب و چه در داخل کشور پذیرا باشد. در این کشور بیش از صد هزار فلسطینی زندگی میکنند، که برخی از آنها مقامات کلیدی را نیز در دولت و اقتصاد عربستان سعودی به‌عده دارند. بی‌شود نیست، که رژیم سعودی هر ساله پنجاه میلیون دلار در اختیار «سازمان آزادیبخش فلسطین» میگذارد، تا باین ترتیب بخیال خود سیاست فلسطینی‌ها را تعدیل بخشد. از سوی دیگر، این رژیم از تأثیر فعالیت «سازمان آزادیبخش فلسطین» بر سکنه فلسطینی خود بی‌اندازه هراس دارد و بهین دلیل هم به این سازمان اجازه نمیدهد، که در عربستان دفتر نمایندگی بگشاید.

بیم عربستان سعودی از گسترش نفوذ و قدرت فلسطینی‌ها همچنین در «جنگ لبنان» در سال ۱۳۵۵ نمایان گشت. در این جنگ، که بمنظور تضعیف جنبش مقاومت فلسطین و نیروهای چپ لبنان، برافروخته و از نظر مالی از سوی عربستان سعودی تأمین شد، ۶۰ هزار نفر جان سپردند و ۲۰۰ هزار نفر مجروح گردیدند.

بنوشته نیوزویک (۱۲ اسفند ۱۳۵۸)، ملک‌فهد، ولیعهد عربستان سعودی، در سخنرانی درباره افغانستان گفته است: «شورویا از هیچگونه تلاشی برای بدست آوردن پایگاه‌های جدید در مناطق نفت‌خیز خودداری نخواهند کرد. وظیفه جهان آزاد است، که در برابر خطر شوروی‌به‌مقابله بپردازد. لازم است که جامعه بین‌المللی کوشش‌های خود را بدین منظور تمرکز بخشد. «جهان آزاد» ملک فهد عین همان عیارت کشورهای «آزاد» لقب‌زاده است که بمعنای کشورهای امپریالیستی است!!»

آیا این اعتراف خود رسواگرانه، به‌بهترین وجهی وابستگی عربستان سعودی را به امپریالیسم آمریکا، این رهبر «جهان آزاد» و معنای واقعی مفاهیمی چون «حقوق بشر» و «خطر شوروی در منطقه» را نشان نمیدهد؟

## لائوس در سمت گیری سوسیالیستی

لئونید برژنف، رهبر اتحاد شوروی، در کریسه باکیسوف فوم‌وویمین، دبیر کل کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق و نخست‌وزیر جمهوری دمکراتیک خاق لائوس دیدار و مذاکره کرد. فوم‌وویمین در این دیدار اصلاح کرد که برغم مشکلات ناشی از عقب‌ماندگی اقتصادی و شرایط بفرنج سیاست خارجی، خلق لائوس مصمم است که شالوده سوسیالیسم را بنا نهد و از مرحله رشد سرمایه‌داری بگذرد.

رهبر لائوس از سوی حزب، دولت و ملت این کشور از حزب کمونیست، دولت مردم شوروی بخاطر کمک‌های همه‌جانبه بی‌شائبه به لائوس در مراحل دشوار سپاسگزاری کرد. لئونید برژنف و کیسوف فوم‌وویمین از روند همکاری‌های دو کشور ابراز رضایت کردند. در مورد اوضاع جهانی دوطرف اعلام کردند که کشور های صلح‌دوست از توان و نفوذ کافی برای دفاع آمدن بر افزایش تشنج جهانی و آرام کردن اوضاع جهانی برخوردارند. دوطرف بویژه اعلام کردند که سیاست توسعه طلبانه یکن، تشنج را در آسیای جنوب شرقی افزایش داده است. رهبران مائوئیست چین در امور داخلی کشور های «دوچین» مداخله و دشمنان سوسیالیسم را علیه این کشورها تحریک میکنند.

## خلق السالوادور نبرد را ادامه میدهد

اعتصاب بزرگ کارگری سه‌روزه در السالوادور، که از سوی جبهه دموکراتیک انقلابی - یعنی جبهه برکنارده نیروهای چپ و دموکراتیک اعلام شده بود، برغم گزارش‌های مغرضانه و تحریف‌آمیز خبرگزاری‌های امپریالیستی، با موفقیت بزرگ‌تر شد و زحمتکشان السالوادور با این اعتصاب، اراده قاطع خود را برای سرنگون کردن دایرودسته مزدور حاکم بر کشور و قطع سلطه امپریالیسم چنایکار آمریکا، که عامل اصلی فقر و بدبختی مردم است، اعلام کردند. گزارش‌های رسیده از السالوادور نشان میدهد که حدود ناصد هزار تن در این اعتصاب سه روزه شرکت کردند. خیر گزارش‌های امپریالیستی در روز اول اعتصاب تلاش کردند که برای دایرودسته حاکم بر کشور آپرونی دست و پا کنند و بدین جهت، علیرغم آنکه

## هند و روبرو ابر وظیفه انجام اصلاحات بنیادی بنفع اکثریت خلق

سی و سومین سالگرد استقلال هند باشکوه فراوان در سرتاسر کشور برگزار شد. بهین مناسبت رهبران هند در سخنرانی‌های خود به وظایف مردمی که در مقابل مردم هند قرار دارد اشاره کردند. سانچوآزادی، رئیس جمهوری هند سخنرانی خود ضمن اشاره به مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور، مبارزه با بیکاری و انجام اصلاحات بنیادی بنفع اکثریت خلق را مورد تأکید قرار داد و گفت باید هرچه سریعتر شکاف میان اقلیت ثروتمند و اکثریت مستمند از میان برداشته شود. دولت با توجه به اکثریت خود در پارلمان می‌تواند مسائل مردم زندگی مردم را حل کند. بانسو لائویدیرا گاندی نخست‌وزیر هند نیز گفت هند خواهد صلح و دوستی پلایه‌هاست. نخست وزیر هند از نظامی کردن آقا لائوس هند ابراز شکرانی کرد.

رهبران کشور های سوسیالیست در پیام‌های سالگرد استقلال هند به رهبران هند شادباش گفته و موفقیت هائی را که هند در طول مدت استقلال بدست آورده است مورد ستایش قرار دادند.



## انحصارات امپریالیستی گرداننده هر دو حزب دمکرات و جمهور یخواه هستند

کنوانسیون (بخوان: نمایش و شو) حزب دموکرات آمریکا پادگان یافت و جمعی کادتر و وال‌ماندیل پارذیکی بعنوان نامزدهای ریاست جمهوری و معاونت ریاست جمهوری این حزب در انتخابات نوامبر سال جاری انتخاب شدند.

چند هفته پیش نیز حزب جمهوریخواه «فنایش» مشابهی برپا کرده و «روالد ریگان» از سوی این حزب بعنوان رقیب کادتر انتخاب شده بود. این کنوانسیون‌ها در حالی بر- گزار شد، که اقتصاد آمریکا با بحران بزرگی روبرو شده است. بی تفاوتی مردم آمریکا نسبت به این کنوانسیون‌ها نشان میدهد که توده‌های زحمتکش آمریکائی تا چند نسبت به این «فنایش»ها که هر چند وقت یکبار برای سرگرمی بر- گزار میشود، بی‌تفاوت شده‌اند و تا چند نسبت به این بازی‌های تکراری ابراز انزجار میکنند. زحمتکشان آمریکائی بتدریج بی‌مبینه‌اند که هر دو باسطح «حزب بزرگ» آمریکا، چیزی جز عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی انحصارات نیستند و هر گروه رقیب در واقع میخواهد سهم بیشتری از چارول را بخود اختصاص دهد. کس‌هال، دبیر کل حزب کمونیست آمریکا، در ارتباط به این «فنایش‌های مسخره» در مصاحبه‌ای با روزنامه دیلی ورلد گفت که هر دو حزب، که دست نشانده انحصارات هستند، تصمیم گرفته‌اند که از «کاذب مربوط به باسطح «خطی شوروی» استفاده کنند تا بتوانند هزینه‌های نظامی را بنفع اربابان خود، یعنی انحصارات افزایش دهند.

## پیدا تورم و بیکاری در ایالات متحده

تورم در آمریکا همچنان به‌سر سعودی خود ادامه میدهد. وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که در ماه گذشته بهای عمده فروشی ۲٫۲ درصد افزایش یافته است، که رشتن سال گذشته بیسابقه است. همچنین میزان بیکاری نیز در این مدت افزایش یافته است. پتا به پیش‌بینی کارشناسان اقتصادی آمریکا، با افزایش تورم، کساد اقتصادی و بیکاری در سال آینده بز هم‌چنان به‌سیر سعودی خود ادامه خواهد داد.

## آموزش پزشکی

یک هیئت پزشکی و علمی شوروی زودی راهی کابل میشود، تا در انشکده‌های پزشکی افغانستان، دانشجویان رشته پزشکی را آموزش دهد. یکسک اتحاد شوروی، در نغانستان چند بیمارستان و کلینیک چسب ساخته شده و چند بیمارستان یکر در دست ساختمان است.

**نامه مردم**  
 ارگان مرکزی حزب توده ایران  
 دارنده امتیاز  
 و مدیر مسئول:  
 منوچهر بهزادی  
 خیابان ۱۶ آذر شماره ۸۶  
**دفتر نامه مردم، فعلا در اشغال عناصر غیر مسئول است**  
**MARDOM**  
 No. 309  
 17 August 1980  
**Price:**  
 West-Germany 0,80 DM  
 France 2 Fr.  
 Austria 8 Sch.  
 England 20 P.  
 Belgium 10 Fr.  
 Italy 350 L.  
 U.S.A 50 Cts.  
 Sweden 1.50 Skr.

**گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی میکند**  
**زحمتکشان را باید باتصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر بار نجات داد**



ستوان سوم هوایی  
اسدالله نصیری



ستوان یکم هوایی  
حسین مرزوان



ستوان یکم هوایی  
منوچهر مختاری گلپایگانی



سرگرد پیاده  
ارستو سروشیان



سرگرد هوایی  
رحیم بهزاد



سروان مهندس  
اسمهیل محققزاده

# پست و پنجمین سالگرد شهادت ۶ افسر توده‌ای خاطره تابناک شهیدان راه استقلال، آزادی و ترقی ایران جاودان باد!

۲۵ سال پیش سحرگاه ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ پیکر شش قربان راه آزادی، استقلال، ترقی و رفاه مردم زحمتکش ایران: سروان مهندس اسمعیل محققزاده، سرگرد هوایی رحیم بهزاد، سرگرد پیاده ارستو سروشیان، ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری گلپایگانی، ستوان یکم هوایی حسین مرزوان و ستوان سوم هوایی اسدالله نصیری بدست عوامل جنایتکار رژیم فاشیستی پهلوی به خاک افتاد.

سیه‌ای خندان محققزاده، حتی در لحضاتی که با جسمی دردم کوبیده از اطاق شکنجه به سلول انفرادی منتقل میشد، حاکی از اعتقاد راسخ به حقانیت اندیشه‌های عالی بود که میرفت تا جان شیرین خود را در آن راه نثار کند. او در میدان کماندانی شاه سابق پیماخت و گفت که، او مسئول جلب و تفرقه افسر هم‌رزمش به صفوف حزب توده ایران است، و اگر از نظر این دادگاه غیرقانونی گناه وجود دارد، گناهکار فقط

اوست و فقط او باید اعدام گردد. مختاری، افسر جوان ۲۵ ساله‌ای که همه نیروی زندگی او پیکر خود را در خدمت حزب توده ایران قرار داده بود، در نامه‌ای به حزب خود نوشت: «محققزاده مرده‌ام در برابر شکنجه مقاومت کرد. روحیه‌اش عالی بود. مختاری در نامه خود به حزب نوشت: «در دادگاه بدوی بز آزادی دفاع کردم و دفاع خود را با جمله زیرین تمام کردم... آرزو دارم روی زندانیش گفت:

استخوانهای من، هموطنانی شاد، وارسته و آزاد پاکبوی کنند و گفتم که از تیرباران، با اینکه بر زندگی و زیبایی آن بسیار علاقمندم، اما این علاقه آنچنان لکه ابر تاریکی را تشکیل نمیدهد که آفتاب درخشان حقیقت زحمتکشان را لهینم...»

مرزوان در آخرین «دقیق حیات» برافراشت، حکامیکه او را برای اعدام میبردند، خطاب به رفقای زندانش گفت:

که آن در تربیت نوباوگان کشور دارند باید فوایدی داشته باشیم... مسکنست در بعضی از شهرستانها کمیسیونهای مصاحبه کننده با داوطلبین دچار تکلف نظریه و اشکالاتی باشند که به محض آنکه مطلع شدید جاری آنرا خواهیم گرفت...

سپس در مورد ماده ۶۱ آئین نامه پیرامون مدت صحبت قبل دستور نمایندگانی بحث شد. آنکه تفسیر این ماده مورد بحث به هر کذاشته شد و در نتیجه مدت صحبت نمایندگان از ۱۰ دقیقه به ۵ دقیقه افزایش یافت.

حجت الاسلام رفسنجانی ضمن اعلام تکمیل شدن کمیسیونها آنها خواست که هر چه سریعتر و قاطعتر به کار بپردازند و وظایف خود انجام دهند. وی سپس در مورد نامه‌ای که ۲ تن از نمایندگان کنکرت آمریکا توسط سفیر سوئیس به مجلس شورای اسلامی فرستاده اند گفت: «در این نامه سر تا پای شیطان، که هفتش تنها کلاه گذاشتن به سر ما بود، موضوع سخنان من در باره جواب به نمایندگان کنکرت سوئیس قرار می‌شد در صورتیکه من گفته بودم که نامه نمایندگان کنکرت سوئیس به آن نمایندگان حتی حاضر به جواب دادن به آن نشدند...»

مجلس ویرزسی طرحهایی که از طرف مردم برای رفع مشکلات متعدد جامعه عرضه شده‌اند، گردید.

سپس دکتر بهمن در باره نحوه استخدام آموزگاران در ارتباط با سخنان نماینده کرگان توضیحاتی داد و از جمله گفت: «قدوسم ایست که ما برای استخدام آموزگاران جدید، با توجه به نقض حساسی

حاجت الاسلام رفسنجانی ضمن اعلام تکمیل شدن کمیسیونها آنها خواست که هر چه سریعتر و قاطعتر به کار بپردازند و وظایف خود انجام دهند. وی سپس در مورد نامه‌ای که ۲ تن از نمایندگان کنکرت آمریکا توسط سفیر سوئیس به مجلس شورای اسلامی فرستاده اند گفت: «در این نامه سر تا پای شیطان، که هفتش تنها کلاه گذاشتن به سر ما بود، موضوع سخنان من در باره جواب به نمایندگان کنکرت سوئیس قرار می‌شد در صورتیکه من گفته بودم که نامه نمایندگان کنکرت سوئیس به آن نمایندگان حتی حاضر به جواب دادن به آن نشدند...»

مجلس ویرزسی طرحهایی که از طرف مردم برای رفع مشکلات متعدد جامعه عرضه شده‌اند، گردید.

سپس دکتر بهمن در باره نحوه استخدام آموزگاران در ارتباط با سخنان نماینده کرگان توضیحاتی داد و از جمله گفت: «قدوسم ایست که ما برای استخدام آموزگاران جدید، با توجه به نقض حساسی

## در جلسه دیروز مجلس، حجت الاسلام رفسنجانی گفت:

# توطئه دیگری از سوی سازمان «سیا» علیه انقلاب ایران تدارک دیده شده است

● حجت الاسلام رفسنجانی: ملت ایران تمام جنایاتی را که رژیم شاه مرتکب شده از چشم دولت آمریکا می‌بیند.

● عده‌ای از نمایندگان بر لزوم محاکمه جاسوسان آمریکایی تأکید کردند.

در جلسه علنی دیروز مجلس حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی قاضی ساخت که «بنا به گزارشاتی که در دست داریم سازمان سیا» دست اندرکار توطئه دیگری است که موفق نخواهد شد...»

جلسه علنی دیروز مجلس ساعت ۱۰:۳۰ صبح به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و با حضور ۱۸۱ تن از نمایندگان رسمیت یافت. در ابتدای جلسه حسینی لواسانی نماینده تهران طی سخنانی از لزوم فعالیت‌های تبلیغاتی در جهت خنثی کردن تبلیغات مسموم امپریالیستی علیه انقلاب اسلامی ایران یاد کرد و گفت: «در حالیکه ما را محاصره نظامی و اقتصادی می‌کنند نباید بگذاریم که از نظر فرهنگی هم منزوی شده و در محاصره قرار بگیریم. تبلیغات سوء به شدت علیه ما جریان دارد و وزارت ارشاد ملی چه به عمد و یا به سهو کاری صورت نمیدهد...» وی افزود علاوه بر آن باید در مردم خودمان روحیه رژیم را حفظ کنیم و کسرتش دهیم و آنها را برای مقابله با هر توطئه‌ای آماده کنیم. ما «بوی اقتصاد اسلامی سالم نداریم و اقتصاد ما هوا کون دیواله همان اقتصاد غربی زمان طاغوت است...» وی در پایان سخنانش خواستار انتشار بیان سرود و زبان بانگها و اعلام علت تأخیر در این کار شد. تعلق بعدی قبل از دستور احمد همتی نماینده مشیکن شهر در قسمتی از سخنانش ضمن شرح محرومیتها و فقر حوزه انتخابیه خود گفت «در حوزه انتخابیه من دادگاه انقلاب و جهاد سازندگی خیلی ضعیف هستند و جهاد سازندگی حتی از داشتن بولدژر و ماشینهای کشاورزی محروم است...»

محمد محمدی نماینده کرگان تعلق بعدی گفت «دیروز آقای مازنی می‌گفت که «زیرات نامه‌ای داشته است که در طی آن از تفرقه در صفوف انقلابیون ایران اظهار نگرانی می‌کرده است...» عامل اصلی بیروزی انقلاب ایران به تعبیر امام بعد از ایمان وحدت بود... ولی اعمال انجام می‌شود که باعث دلبری مردم بخصوص جوانان می‌گردد. بعنوان مثال روشی که در آموزش و پرورش در استخدام آموزگاران وجود دارد و سوالاتی که از آنها می‌شود منجر به دلبری جوانان مؤمن و انقلابی و محروم شدن ما از بهترین نیروهایمان می‌شود...»

آخرین تعلق قبل از دستور جلسه دیروز مجلس مجتهد شستری نماینده تهران ضمن ستایش از مبارزات دلیرانه دانشجویان ایرانی در انگلستان و محکوم نمودن عمل پلیس آن کشور در سرکوب دانشجویان از این دلیران بعنوان مسخری انقلاب اسلامی ایران، نام برد و به آنها درود فرستاد. وی خطاب به نمایندگان مجلس گفت: «هر روز مردم غیور و مبارز تهران با اجتماع خود در مقابل سفارت انگلستان از این جوانان

### در حاشیه مجلس

#### وقتی اسلام آمریکائی توصیه میکنند!

محسن شستری ضمن اشاره به مقیاس نظم مصر گفت «این فرد همان کسی است که به همراه انور سادات از بکین استعقل کرد و برای عقد قرارداد کمپ دیوید نماز شکر خواند...» وی در جای دیگر اشاره به توصیه مفتی اعظم مصر به امام خمینی کرد و گفت: «وی به امام توصیه کرده که بیشتر قرآن بخواند...»

هنگامی که حجت الاسلام رفسنجانی گفت «آمریکائیا در نامه خود خواسته‌اند که دولت ایران با جاسوسان آمریکایی همان برخوردی را داشته باشد که دولت آمریکا با دانشجویان ایرانی داشته است...» چند تن از نمایندگان با خنده پرسیدند: «یعنی ما هم آنها را شکنجه کنیم!؟»

بدنبال طرح استرداد استغفانه شجاعی نماینده زنجان و در گرفتن بحث زیاد بین نمایندگان حجت الاسلام خلخالی به اعتراض گفت «سوابق درخشان مبارزاتی وی در حوزه علمیه و زنجان بر کسی پوشیده نیست و ضمناً وقتی که او انصراف خود را استعفا را خدمت امام عرض می‌کند دیگر مسئله تمام است و بحث ندارد و نباید وقت زیادی تلف کرد...» لازم به تذکر است که حسن آیت به شدت با مسئله بازگشت نماینده زنجان مخالفت می‌کرد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق